



آموزش ترجمه و مفاهیم

قرآن کریم

• ترجمه لغات قرآن به ترتیب آیات

(به تفکیک لغات جدید و تکراری)

• ارائه معانی ، مفاهیم و موضوع آیات

(به صورت ترجمه توضیحی)



طرح و تألیف : مهدی محمودیان
با همکاری : واحد پژوهش بیت القرآن امام علی (ع) قم



دُعای پیش از قرائت قرآن

عَنِ الْإِمَامِ جَبْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّ هٰذَا کِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلٰی رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ بِنِ عَبْدِ
وَكَلَامِكَ النَّاطِقُ عَلٰی لِسَانِ نَبِیِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِیًا مِنْكَ اِلٰی خَلْقِكَ وَجَلًّا مُتَّصِلًا فِی
بَیْنِكَ وَبَیْنِ عِبَادِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ نَشَرْتُ عَمَدَكَ وَکِتَابَكَ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرَیْ فِیهِ
عِبَادَةً وَقِرَاءَتِیْ فِیهِ فَلَکَ اَوْفَرَیْ فِیهِ اَعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ اَتَّعِظُ بِسَبَیْلِ
مَوَاعِظِكَ فِیهِ وَاجْتَنِبُ مَعَاصِیْكَ وَلَا تُطِيعْ عِنْدَ قِرَاءَتِیْ عَلٰی سَمْعِیْ وَلَا تُجَبِّلْ عَلٰی
بَصْرِیْ غِشَاوَةً وَلَا تُجَلِّ قِرَاءَتِیْ مِثْرَاءَةً لَا تُدْبِرُ فِیْهَا بَلْ اجْعَلْنِیْ اَتْمَدُّرَ آیَاتِ
وَاحْکَمَهُ اَخِذًا بِشَرَائِعِ دِیْنِكَ وَلَا تُجَلِّ نَظْرَیْ فِیهِ غِلَةً وَلَا مِثْرَاءَةً فِیْ هَذَا

اِنَّکَ اَنْتَ الرَّؤُوْفُ الرَّحِیْمُ

القرآن الکریم

سی جزء کامل ؛ با ارائه مفاهیم و توضیح آیات و ترجمه کل لغات قرآن

((مجموعه کامل کتب سی جلدی ، قرآن در خانه))

عثمان طه

خط:

طرح و تألیف : مهدی محمودیان (با همکاری واحد پژوهش بیت القرآن امام علی علیه قم)

ناشر: چاپخانه بزرگ قرآن کریم (اسوه)

ناشر:

چاپ:

اسوه

چاپخانه:

جلد ۱۰۰۰۰

تیراژ:

آفتاب

لیتوگرافی:

سجاد عسکری

طراحی و صفحه آرایی :

۵ - ۵۷۹ - ۴۹۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک:

مراکز پخش : بیت القرآن امام علی علیه قم / ۷۷۴۸۵۶۴ - ۰۲۵۱

دفتر بیت القرآن امام علی علیه تبریز / ۴۴۰۲۹۵۳ - ۴۴۰۱۶۰۰ - ۰۴۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

« الرحمن علّم القرآن » « ولقد يسرنا القرآن للذكر »

آنچه پیش روی شماست ، مصحفی است که با اهداف آموزشی و در جهت فراگیر نمودن آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن با شیوه‌ای خاص و ترتیبی منطقی تدوین شده است ، تا عموم علاقه‌مندان به آشنایی و فراگیری مفاهیم بلند این کتاب آسمانی و جاودانی ، بتوانند بهره‌مند شوند. جهت استفاده آسانتر از این مصحف شریف و قرار گرفتن در مسیر منظم آموزشی آن توجه به توضیحات زیر لازم است:

صفحات سمت راست:

صفحات سمت راست در این مصحف شریف دارای سه بخش است:

الف) آیات هر صفحه مطابق با قرآن‌های خط عثمان طه

ب) لغات جدید: اگر از ابتدای قرآن ، شروع به قرائت قرآن شود، در هر صفحه لغات جدیدی را مشاهده می‌کنیم ، به عبارت دیگر هر صفحه از قرآن به ترتیب مصحف ، نسبت به آیات ماقبل خود ، دارای لغاتی جدید است. ولذا در این بخش همه لغات جدید هر صفحه استخراج و ترجمه‌ای روان و تحت اللفظی از آن ارائه شده است به این ترتیب در این مصحف ، کل لغات قرآن کریم (با حذف تکراری‌ها) فقط یکبار ترجمه شده است. گاهی برای معنا و ترجمه لغاتی ، معانی متفاوت و غیر مترادف را مشاهده می‌کنید که در چنین موارد ، معنای اول ، معنا و ترجمه آن لغت برای همان صفحه است و بقیه معانی مربوط به معنای لغات سایر صفحات قرآن می‌باشد.

لازم به ذکر است که تعداد لغات جدید هر صفحه نیز در ابتدای لغات جدید ، درج شده است. **ج) لغات تکراری:** با استخراج و ترجمه لغات جدید هر صفحه ، آنچه باقی می‌ماند ، طبعاً لغات تکراری آن صفحه است.

لغات تکراری در صفحات ماقبل، ترجمه شده است.

در مقابل هر یک از **لغات تکراری** ، عددی درج شده که نشان دهنده شماره صفحه‌ای است که لغت مورد نظر برای اولین بار به ترتیب مصحف در آن تکرار شده و در آن صفحه ترجمه شده است. بنابراین برای یافتن ترجمه هر یک از لغات تکراری و مطالعه مجدد آن باید به آن شماره صفحات مراجعه نمود.

*** در صورتی که لغتی در یک صفحه از مصحف شریف ، بیش از یکبار تکرار شده باشد ، فقط اولین تکرار آن در آن صفحه در بخش لغات تکراری ذکر شده و از تکرار موارد بعدی‌اش در آن صفحه خودداری شده است.**

صفحات سمت چپ:

آنچه در صفحات سمت چپ مورد نظر است ، ارائه معانی و مفاهیم و موضوع آیات به صورت «ترجمه توضیحی» قابل درک برای عموم مخاطبین است. بنابراین هدف ما در این قسمت ، ارائه ترجمه تحت اللفظی آیات نیست ، چرا که ترجمه کل کلمات قرآن در بخش ترجمه لغات آمده است و از طرفی ترجمه تحت اللفظی آیات با توجه به فنی بودن عبارات ، برای درک معانی آیات ، دشواری‌هایی دارد. ولذا هدف ما در بخش معانی آیات ، «ارائه مفاهیم و موضوع آیات» است تا عموم مخاطبین گرامی بتوانند معنا و مفهوم و نیز موضوع آیه را فراگیرند.

منابع و مآخذ: تفسیر نمونه - نور - قاموس قرآن

لغات جدید: ۲۳ لغت

بسم الله: به نام خدا . **الرحمن:** بسیار بخشنده و عطا کننده نعمت ها به همه موجودات («رحمان» اشاره به رحمت عام و گسترده خداوند دارد که بر مؤمن و کافر افاضه می شود) .
الرحیم: بسیار مهربان و صاحب بخشش («رحیم» دلالت بر نعمت دائم و رحمت ثابت خداوند دارد که بر مؤمن افاضه می شود. «رحیم» اشاره است به رحمت خاص خداوند) .
الحمد: ستایش کردن، ثنا گفتن («حمد» یعنی توصیف کمال ذاتی و اختیاری که فقط مختص خداست) . **الله:** برای خدا، مخصوص خداوند . **رب:** پرورش دهنده ، مالک مدبر (تربیت کننده و اصلاح کننده به سوی کمالات) . **«رَبِّ»** دراصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن پردازد و نیز به معنای ؛ تربیت کننده ، اصلاح گر ، صاحب اختیار ، مالک و پروردگار آمده است) . **العالمین:** جهانیان، همه موجودات، همه مخلوقات . **مالک:** فرمانروا، صاحب اختیار، مالک و حاکم مطلق . **یوم:** روز . **الدين:** جزا، آیین ، طاعت ، پیروی از فرمان **(یوم الدين:** روز جزا، روز پاداش و کیفر، روز حساب . «یوم الدين» اشاره است به روز قیامت) .
ایاک: تو را . **نعبد:** می پرستیم، عبادت و بندگی می کنیم («نعبد» بیانگر پرستش و بندگی و اطاعت محض است) .
نستعین: یاری می جوئیم، کمک می خواهیم . **اهدنا:** هدایت کن ما را . **الصراف:** راه، راه وسیع و روشن . **المستقیم:** راست .
الذین: کسانی که . **انعمت:** نعمت دادی . **عليهم:** بر آنان . **غیر:** به جز، نه . **المغضوب:** غضب شده . **لا:** نه . **الضالین:** گمراهان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ

الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

چگونه کارها را شروع کنیم:

(شروع می کنیم) به نام خداوندی که عطاکننده (نعمت ها به همه مخلوقات است و نسبت به مؤمنان) بسیار مهربان است.

﴿۱﴾

چه کسی قابل ستایش است:

ستایش واقعی، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

﴿۲﴾

مهربانی و بخشندهی خداوند:

(خداوند) عطاکننده (نعمت ها به موجودات عالم است و همه مخلوقات عالم از رحمت گسترده او بهره مند هستند و نسبت

﴿۳﴾

به بندگانش) بسیار مهربان است.

فرمانروا و مالک اصلی:

(خداوند) مالک اصلی و فرمانروای مطلق روز جزا (روز قیامت) است.

﴿۴﴾

چه کسی قابل پرستش است و تنها یاریگر بندگان کیست:

(پروردگار، ما فقط) تو را می پرستیم و (فقط تو قابل پرستش هستی و در انجام همه کارها، فقط) از تو یاری و کمک

﴿۵﴾

می خواهیم (زیرا یاریگر همه بندگان، فقط تو هستی).

مهمترین درخواست بندگان:

(خدایا از تو می خواهیم که) ما را به راه راست هدایت فرما (و در راه راست، ثابت قدم نگه بدار).

﴿۶﴾

مشخصات راه مستقیم:

(خدایا، ما را به) راه کسانی (هدایت فرما) که به آنان نعمت (هدایت) عطا فرمودی (و در آن راه، همیشه ثابت قدم نگه

داشتی) نه راه کسانی که (در اثر ظلم و کفر و سرکشی و لجاجت) گرفتار قهر و غضب (تو) شدند و نه راه کسانی (که بر

﴿۷﴾

اثر شرک به خدا و انحرافات اعتقادی از راه هدایت) منحرف و گمراه شدند.

پیامبر اکرم ﷺ در توصیف و تفسیر «صراط مستقیم» می فرماید:

ای مردم؛ من «صراط مستقیم» خداوند هستم که خداوند شما را به پیروی از آن فرمان داد و بعد از من حضرت علی علیه السلام و سپس فرزندان من از نسل او هستند، امامان هدایت اند و به سوی حق هدایت می کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سپس سوره «حمد» را تلاوت نموده و فرمود:

این سوره درباره من و به خدا قسم ایشان (حضرت علی و یازده امام معصوم علیهم السلام) نازل شده است و ایشان را هم شامل

شده و به ایشان اختصاص دارد. (به نقل از خطبه غدیر)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَمْ ۞ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ

هُدًى لِلْمُتَّقِينَ ۞ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَرَمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ

وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَيَا لَآخِرَةٍ هُمْ يُوقِنُونَ

۞ (۴) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۞ (۵)

لغات جدید: ۲۷ لغت

الم: از حروف مقطعه قرآن است و به صورت «الف، لام، میم» خوانده می‌شود. **ذَلِكَ:** آن. **الْكِتَابُ:** کتاب (قرآن). کتاب آسمانی، نامه، نامه اعمال، لوح محفوظ **رَيْب:** شک و تردید، شکّی که با سوء ظنّ و تهمت همراه باشد. **فِيهِ:** در آن. **هُدًى:** هدایت، راهنمایی (در این آیه به معنی «هدایت کننده» است). **لِلْمُتَّقِينَ:** برای پرهیزکاران. **يُؤْمِنُونَ:** ایمان دارند. **بِالْغَيْبِ:** به پنهان («غیب» چیزی است که با حواس ظاهری قابل درک و محسوس نیست و «عالم غیب» به عالم غیر محسوسات اشاره دارد؛ مثلاً عالم معاد و فرشتگان). **يُقِيمُونَ:** برپا می‌دارند. **الصَّلَاةَ:** نماز. **مِمَّا (مِنْ + مَا):** از آنچه. **رَزَقْنَاهُمْ:** روزی دادیم به آنها. **يُنْفِقُونَ:** انفاق می‌کنند. **بِمَا (بِ + مَا):** به آنچه. **أُنْزِلَ:** نازل شد. **إِلَيْكَ:** به تو، به سوی تو **مَا:** آنچه («ما» به معنای «آنچه، نه، نیست، چه، چرا، چیست» به کار می‌رود). **مِنْ:** از، بعضی از. **قَبْلِكَ:** قبل از تو. **بِالْآخِرَةِ:** به آخرت. **هُمْ:** آنها. **يُوقِنُونَ:** یقین دارند. **أُولَئِكَ:** آنان. **عَلَى:** بر، بر روی، در، بر ضدّ، بر عهده. **رَبِّهِمْ:** پروردگارشان. **الْمُفْلِحُونَ:** رستگاران، پیروزمندان (کسانی که با رنج و سختی به مقامی رسیده باشند).

لغات تکراری

بِسْمِ اللَّهِ ۱ الرَّحْمَنِ ۱ الرَّحِيمِ ۱ لَا ۱ الَّذِينَ ۱

به نام خداوند بخشنده مهربان

حروف مقطعه:

(۱)

الف لام میم، این حروف رمزی بین خدا و رسول اوست.

عظمت کتاب قرآن و هدف از نزول آن:

(این قرآن) همان کتاب (با عظمتی است که از جانب خداوند نازل شده) و هیچ گونه شک و (شبهه‌ای در حقانیت آن) وجود ندارد و راهنمای اهل تقوا است.

(۲)

صفات و مشخصات اهل تقوا (پرهیزگاران):

الف) اعتقادات اهل تقوا:

به عالم غیب ایمان دارند.

ب) تکالیف عبادی و اجتماعی:

(اهل تقوا) نماز را برپا می‌دارند و نیز از هر نعمت (مادی و معنوی) که خداوند به آنها عطا فرموده (است، مانند: علم و ثروت، قدرت و آبرو، فنّ و هنر، بیان و قلم و... به مقدار توانائیشان، طبق فرمان خداوند و به خاطر رضای الهی) بخشش می‌کنند.

(۳)

ج) ایمان و اعتقاد اهل تقوا نسبت به کتاب قرآن و سایر کتابهای آسمانی:

(ای پیامبر، از نشانه‌های اهل تقوا این است که) به آنچه بر تو نازل شده است (از قرآن) و نیز آنچه (بر پیامبران) پیش از تو (از کتابهای آسمانی تورات و انجیل) نازل شده است، ایمان دارند (زیرا همه آنها از طرف خداوند است).

د) یقین به آخرت (قیامت):

به (کیفرها و پاداشهای جهان) آخرت یقین دارند (و برنامه‌ها و عملهایشان را بر اساس حساب قیامت تنظیم می‌کنند).

(۴)

هدایت و نجات اهل تقوا:

آنها (بواسطه عبادت و اعمال شایسته) از جانب پروردگارشان (به راه راست) هدایت می‌شوند و حتماً از رستگاران هستند.

(۵)

لغات جدید: ۷۲ لغت

إِنَّ: قطعاً، همانا. كَفَرُوا: کافر شدند. سَوَاءٌ: مساوی، وسط.
 أُنْذَرْتَهُمْ: آیا ترساندی آنها را. أَمَّ: یا، خواه، بلکه.
 لَمْ تُنْذِرْهُمْ: ترساندی آنها را. لَا يُؤْمِنُونَ: ایمان نمی آورند.
 خَتَمَ: مهر زد. قُلُوبِهِمْ: دلهای آنان. سَمِعِهِمْ: گوشهای آنها.
 (سمع: یعنی شنیدن و به معنای گوشها نیز آمده است).
 أَبْصَارِهِمْ: چشمان آنها. غَشَاوَهُ: پرده و پوشش. لَهُمْ: برای
 آنها. عَذَابٌ: عذاب. عَظِيمٌ: بسیار بزرگ. النَّاسِ: مردم.
 مَنْ: کسی که، هر کس، چه کسی. يَقُولُ: می گوید. آمَنَّا:
 ایمان آوردیم. بِاللَّهِ: به خدا. بِالْيَوْمِ: به روز. الْآخِرِ: آخرت.
 مُؤْمِنِينَ: ایمان آورندگان. يُخَادِعُونَ: فریب می دهند. آمَنُوا:
 ایمان آوردند. مَا يَخْدَعُونَ: فریب نمی دهند. إِلَّا: مگر، ولی.
 أَنْفُسَهُمْ: خودشان. مَا يَشْعُرُونَ: نمی فهمند. فَيَ: در، بر، به، از
 به سوی، به دلیل، درباره. مَرَضٌ: بیماری. فَرَادَهُمْ: پس زیاد
 کرد برایشان. أَلِيمٌ: بسیار دردناک. كَانُوا يَكْذِبُونَ: دروغ
 می گفتند. إِذَا: هرگاه، اگر، در زمانی که. قِيلَ: گفته شد.
 لَا تُفْسِدُوا: فساد نکنید. الْأَرْضِ: زمین. قَالُوا: گفتند. إِنَّمَا:
 فقط. نَحْنُ: ما. مُصْلِحُونَ: اصلاح کنندگان. أَلَا: آگاه باش.
 إِنَّهُمْ: مسلماً آنها. الْمُفْسِدُونَ: فساد کنندگان. لَكِنْ: ولی.
 لَا يَشْعُرُونَ: نمی فهمند. آمَنُوا: ایمان بیاورید. كَمَا: همانطور
 که. آمَنَ: ایمان آورد. أُنُومِنَ: آیا ایمان بیاوریم،
 نُؤْمِنَ: ایمان می آوریم. السُّفَهَاءُ: نادانها،
 احمقها، سبک مغزها، جمع سفیه به معنی کسی است
 که رشد فکری ندارد و «سبک مغز» هست خواه این سبک
 مغزی در امور مادی و دنیوی باشد یا در امور
 معنوی و اخروی. لَا يَعْلَمُونَ: نمی دانند. لَقُوا: ملاقات
 کردند. خَلَوْا: خلوت کردند، خالی کردند،
 در گذشتند، ترک کردند. إِلَى: به. شَيَاطِينِهِمْ: شیطانهای آنها
 إِنَّا: به درستی که ما. مَعَكُمْ: با شما، به همراه شما.
 مُسْتَهْزِئُونَ: تحقیر و اهانت کنندگان، کسانی که خواهان تحقیر
 و اهانت به دیگری هستند. يَسْتَهْزِئُ: تحقیر می کند. بِهِمْ:
 آنها را، به آنها. يَمْدُهُمْ: مهلت می دهد به آنها، می کشد آنها
 را. طُغْيَانِهِمْ: طغیانشان. يَعْمَهُونَ: سرگردان می شوند، در
 حیرت قرار می گیرند. اشْتَرَوْا: خریدند، فروختند. الضَّلَالَةُ:
 گمراهی. بِالْهُدَى: در مقابل هدایت. فَمَا رِبْحَتْ: پس سود
 نکرد. تَجَارَتُهُمْ: تجارتشان، معامله آنها. مَا كَانُوا: نبودند.
 مُهْتَدِينَ: هدایت یافتگان

لغات تکراری

الَّذِينَ ۱ عَلَيْهِم ۱ عَلَى ۲ مِنْ ۲ مَا ۲ هُمْ ۲ أُولَئِكَ ۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ
 أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى
 قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَرِهِمْ
 غَشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا
 هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾
 فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ
 لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ
 مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ
 وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامَنُوا
 كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ
 السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا
 يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا
 ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ
 إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ
 وَيَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ
 الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا
 رِبْحَتْ تَجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

لجازی و حق ناپذیری عمدی کافران و عاقبت آنان:

همانا (کافران) کسانی (هستند که با انکار و عناد در برابر دعوت‌های پیامبر اسلام ﷺ عمداً) کفر ورزیدند بنابراین ترساندن و ترساندن آنها (از عذاب الهی) برایشان یکسان است (و هیچ فایده‌ای به حال آنان ندارد و عمداً) ایمان نمی‌آورند. ﴿۶﴾
(به خاطر عناد و لجاجت آنها در مقابل حق) خداوند بر دل‌های آنان مهر (محرومیت از درک و فهم حقیقت را) کوبیده است (زیرا آنان عمداً از پذیرفتن حق خودداری می‌کردند و با نشنیده گرفتن دعوت‌های بر حق، گویا خداوند) پرده‌ای بر گوش‌ها و چشم‌هایشان افکنده است (و حقایق را ندیده و نشنیده گرفته‌اند) و (به سبب آن همه لجاجت در مقابل حق و پافشاری در کفرشان) عذاب بسیار بزرگی برای آنها (مقرر شده) است. ﴿۷﴾

اوصاف و نشانه‌های منافقان:

از میان مردم کسانی (هستند که به دروغ) می‌گویند: ما ایمان به خداوند و (اعتقاد به) روز قیامت داریم، در حالی که آنها (تظاهر به ایمان می‌کنند و در باطن به دین اسلام و روز قیامت، اعتقاد و) ایمان ندارند (و در واقع می‌خواهند با فریبکاری و تظاهر به اسلام، در صفوف مسلمانان نفوذ کرده و به اسلام و مسلمین ضربه بزنند، پس هوشیار باشید و فریب توطئه‌های مودیان آنها را نخورید). ﴿۸﴾

(منافقان با پنهان کردن نفاقشان و اظهار ایمان ظاهری چنین می‌پندارند که با این کارشان می‌توانند) خدا و مؤمنین را فریب بدهند در حالی که (با این عمل جاهلانه، فقط) خودشان را فریب می‌دهند و (همانند شخص بیماری هستند که نسخه پزشک را در خلوت مصرف نکند ولی در ظاهر ادعا کند که مصرف می‌کند؛ در این صورت شخص بیمار، خودش را فریب داده است و چون منافقان شعور و فهم دقیق ندارند، لذا این مطلب را) درک نمی‌کنند. ﴿۹﴾

دل منافقان:

در قلب آنها مرضهای (معنوی، همچون: نفاق، حسد، دروغ‌پردازی، بدخواهی و کینه‌ورزی علیه اسلام و مسلمین) وجود دارد (و چون بر این گونه مرضهای معنوی و روحی، عمداً و آگاهانه پافشاری می‌کنند) خداوند نیز بر مرض (جهل و عناد) آنها می‌افزاید.

(صفت ذاتی و همیشگی منافقان، دروغ‌سازی و دروغ‌گویی است چون در زندگی خود همیشه) دروغ می‌گویند؛ (خداوند) نیز (برای آنها عذاب بسیار دردناکی آماده کرده است). ﴿۱۰﴾

ادعای اصلاح با عمل فاسد:

(افراد منافق با ایجاد فتنه‌های اجتماعی در امور مسلمین و با گفتار و کردارشان در جامعه، فساد برپا می‌کنند) و چون به آنها گفته شود فساد نکنید (در جواب) می‌گویند: ما جز اصلاح کاری نمی‌کنیم. ﴿۱۱﴾

(قرآن کریم با ردّ ادعای اصلاح‌طلبی منافقان، به مسلمانان هشدار می‌دهد که) آگاه باشید (و فریب ادعاهای اصلاح‌طلبانه را نخورید) آنها اهل فساد هستند و (چون شعور ندارند) نمی‌فهمند (و نمی‌توانند تشخیص بدهند که کارهایشان فاسد است). ﴿۱۲﴾

تحقیر مؤمنین توسط منافقان و برخورد خداوند با آنان:

(منافقان فکر می‌کنند که مؤمنین از روی سادگی و نادانی به خداوند ایمان آورده‌اند بنابراین) اگر از آنها دعوت شود که شما نیز همانند مردم (مسلمان، به خداوند) ایمان بیاورید (در جواب، با احساس برتری و خودبینی، سعی در تحقیر مؤمنین و مسلمانان نموده و) می‌گویند: آیا ما هم مانند (افراد بی‌عقل و) نادان‌ها ایمان بیاوریم؟! ﴿۱۳﴾

(خداوند در دفاع از مؤمنین، به آنها چنین می‌فرماید: آگاه باشید که آنان، خودشان احمق و نادان هستند اما (عیبهای خودشان را) نمی‌دانند. ﴿۱۴﴾

دو رویی منافقان در گفتار و کردارشان:

و منافقان هرگاه با مؤمنین دیدار (و برخورد) می‌کنند (به دروغ) می‌گویند: ما نیز (همانند شما) ایمان آورده‌ایم و اما در خلوت به یاران شیطانی (و دوستان شیطان صفت) خود می‌گویند: ما (عملاً) با شما هستیم (و می‌خواهیم مؤمنان را) مسخره کنیم. ﴿۱۵﴾

دفاع خداوند از مؤمنان:

خداوند (در پاسخ به برخورد‌های تحقیرآمیز منافقان) آنها را (در روز قیامت) خوار و ذلیل خواهد نمود و به آنها (در دنیا) مهلت می‌دهد تا در طغیان و سرگردانی غرق شوند (و در بن‌بست بمانند). ﴿۱۶﴾

معامله زاینبار هدایت فروشی:

منافقان (با این‌که زمینه‌های هدایت را در اختیار داشتند ولی) با از دست دادن راه هدایت، گمراهی را انتخاب کردند پس در این تجارت (معنوی) سود نبردند و (با مخالفت در برابر دعوت‌های هدایت‌بخش خدا و رسولش) از هدایت‌یافتگان نشدند. ﴿۱۷﴾

لغات جدید: ۸۶ لغت

مَثَلُهُمْ: حکایت آنها. **كَمْثَل** (ك + مَثَل): مانند حکایت (مَثَل): حکایت، داستان. **الَّذِي**: کسی که، چیزی که، آن که، آنچه که. **اسْتَوْقَدَ**: آفروخت، شعله‌ور کرد. **نَارًا**: آتش. **فَلَمَّا**: پس وقتی که. **أَضَاءَتْ**: روشن کرد. **حَوْلَهُ**: اطرافش. **ذَهَبَ** ب: برد. **نورهم**: نورشان. **تَرَكَهُمْ**: رها کرد آنها را. **ظُلُمَاتٍ**: تاریکی‌ها. **لَا يُبْصِرُونَ**: نمی‌بینند. **صُمٌّ**: کرها. **بُكْمٌ**: لال‌ها. **عُمًى**: کورها. **فَهُمْ**: پس آنان. **لَا يَرْجِعُونَ**: برنمی‌گردند. **أَوْ**: یا. **كَصِيبٍ** (ك + صِيب): مانند باران درشت و تند. **السَّمَاءِ**: آسمان. **رَعْدٌ**: صدای ابر. **بَرْقٌ**: نوری که از ابر می‌جهد. **يَجْعَلُونَ**: قرار می‌دهند. **أَصَابِعُهُمْ**: انگشتانشان. **أَذَانَهُمْ**: گوش هایشان. **الصَّوَاعِقِ**: صاعقه‌ها. **حَذَرٌ**: ترس. **الْمَوْتِ**: مرگ. **مُحِيطٌ**: احاطه کننده. **بِالْكَافِرِينَ**: به کافران. **يَكَادُ**: نزدیک است. **يَخْطَفُ**: می‌رباید. **كَلَّمَا**: هر زمان. **أَضَاءَ**: روشن کرد. **مَشَوْا**: راه رفتند. **أَظْلَمَ**: تاریک کرد. **قَامُوا**: ایستادند. **لَوْ**: اگر، ای کاش، اینکه. **شَاءَ**: خواست. **لَذَهَبَ** ب: حتماً برد. **سَمِعَهُمْ**: گوشهای آنان، شنوایی آنان. **كُلٌّ**: هر، همه. **شَيْءٌ**: چیز. **قَدِيرٌ**: توانا. **يَا أَيُّهَا**: ای. **اعْبُدُوا**: بپرستید. **رَبِّكُمْ**: پروردگارتان. **خَلَقَكُمْ**: آفرید شما را. **قَبْلَكُمْ**: قبل از شما. **لَعَلَّكُمْ**: باشد که شما، شاید شما، امید است که شما. **تَتَّقُونَ**: پرهیزکار می‌شوید. **جَعَلَ**: قرار داد آفرید، ایجاد کرد، حکم کرد، مقرر کرد، گردانید. **لَكُمْ**: برای شما. **فَرَأَسًا**: بستری گسترده. **بَنَاءٌ**: سقف. **أَنْزَلَ**: فرو فرستاد. **مَاءٌ**: آب. **فَأَخْرَجَ**: پس خارج ساخت. **بِهِ**: به وسیله آن. **الثَّمَرَاتِ**: میوه‌ها. **رِزْقًا**: روزی. **فَلَا تَجْعَلُوا**: پس قرار ندهید. **أَنْدَادًا**: همتایان، شریک‌ها. **انْتُمْ**: شما. **تَعْلَمُونَ**: می‌دانید. **إِنْ**: اگر، به درستی. **كُنْتُمْ**: بودید. **نَزَّلْنَا**: نازل کردیم. **عَبْدَنَا**: بنده ما. **فَأَتُوا** ب: پس، بیاورید. (فأتوا: پس بیاوید) **بِسُورَةٍ**: سوره‌ای را. **مِثْلِهِ**: مانند آن. **أَدْعُوا**: فرا خوانید. **شُهَدَاءَكُمْ**: گواهان تان. **دُونِ**: غیر، به جز، پائین‌تر، پست‌تر، در مقابل، نزدیک، بالا، جلو، عقب، به جای. **صَادِقِينَ**: راستگویان. **فَإِنْ**: پس اگر. **لَمْ تَفْعَلُوا**: انجام ندادید. **لَنْ تَفْعَلُوا**: هرگز نمی‌توانید انجام دهید. **فَاتَّقُوا**: پس بپرهیزید. **الَّتِي**: که. **وَقُودُهَا**: هیزم آن (وقود: چیزی که آتش به آن افروخته می‌شود، مانند: کبریت، نفت، گاز و چاشنی در مواد انفجاری). **الْحِجَارَةُ**: سنگ‌ها. **أُعِدَّتْ**: آماده شد. **لِلْكَافِرِينَ**: برای کافران

لغات تکراری

مَا ۲ فِي ۳ مِنْ ۲ فِيهِ ۲ أَبْصَارَهُمْ ۳ لَهُمْ ۳ إِذَا ۳ عَلَيْهِمْ ۱ إِنْ ۳ عَلَى ۲ النَّاسُ ۳ الَّذِينَ ۱ الْأَرْضُ ۳ رَبِّ ۲ مِمَّا ۲

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمٌّ بُكْمٌ عُمًى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يُخْطِفُ أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّا اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

تصویری از حالات سردرگمی و سرگردانی و شکست منافقان در اهدافشان:

حکایت آنها (منافقان از لحاظ سردرگمی در برنامه‌ریزیها و شکست در طرحها و توطئه‌ها و سرگردانی در زندگی‌شان) مانند کسی است (که در بیابان تاریک راه خود را گم کرده و سرگردان مانده و در این حال برای یافتن راه خود) آتشی را بیفزود، پس همین که با نور آتش، اطراف خود را روشن کند، خداوند (با باد تندی) آن آتش را خاموش می‌کند و آنان را در تاریکی (بیابان) رها می‌کند (تا راه خود را) نیابند (و سردرگم شده و به مقصدشان نرسند). (۱۷)

محرومیت منافقین از هدایت:

(منافقان از هیچ گونه ابزار و روش «هدایت» نخواستند استفاده کنند و چشم و گوش آنها، که می‌توانست حقایق را ببیند و بشنود و می‌توانستند به هدایت الهی برسند، اما آنان همچون کسانی که) کر و لال و کور هستند (و از این ابزارهای هدایت استفاده نمی‌کنند، راه هدایت را با دست خودشان می‌بندند و از گمراهی به سوی هدایت) برنمی‌گردند (و برای همیشه در بن‌بست جهل و گمراهی می‌مانند). (۱۸)

تصویری از حالات سردرگمی و سرگردانی و شکست منافقان در اهدافشان:

(حکایت منافقان همچون کسانی است که در بیابان تاریک درمانده‌اند و در این حال) باران شدید و رگباری همراه با رعد و برق (بر سر آنان فرو می‌ریزد و) آنها از ترس مرگ و (غرش) صاعقه‌ها، انگشتان خود را در گوشه‌هایشان می‌گذارند (تا نجات یابند، اما) خداوند بر آنها کاملاً مسلط است (و نمی‌توانند نجات پیدا کنند). (۱۹)

(در بیابان تاریک، گاهی نور رعد و برق، یک لحظه روشنایی ایجاد می‌کند، آن هم به قدری خیره‌کننده است که) نزدیک است (نور شدید رعد و برق) نور چشمان آنها را برباید. هر وقت که برق آسمانی (در آن بیابان تاریک لحظه‌ای) روشن می‌شود چند قدمی، راه می‌روند (تا به مقصد برسند) ولی (نور رعد و برق) دوباره خاموش می‌شود و آنها (حیرت‌زده) می‌ایستند و اگر خداوند بخواهد (با صدای غرش و نور شدید رعد و برق آسمانی) گوش و چشمهای آنان را از بین می‌برد، به درستی که خداوند بر هر کاری تواناست. (۲۰)

خداوند کیست و چرا انسان‌ها را آفرید:

ای مردم، خداوند کسی است که شما و انسانهای پیش از شما را آفرید تا او را پرستید، باشد که (به سبب پرستش و اطاعت او) اهل تقوا شوید (زیرا نجات و پیروزی شما فقط در تقوا پیشگی است). (۲۱)

(خداوند) کسی است که برای شما، زمین را به عنوان بستر زندگی (و محل آسایش) آفرید و آسمان را همچون سقفی بنا کرد (تا از خطرات آسمانی محفوظ بمانید) و از (ابرهای) آسمان، آب (باران) فرو فرستاد و بوسیله آن، میوه‌ها از زمین به وجود آورد تا اینکه روزی شما باشد پس برای او همتا و شریکی قرار ندهید در حالی که می‌دانید (غیر از خدای یکتا کسی شما را نیافریده و روزی نمی‌دهد). (۲۲)

مبارزه خداوند با منکران قرآن:

(ای مخالفان و منکران قرآن) اگر شما از آنچه (نسبت به آسمانی بودن و حقانیت قرآن، که) بر بنده خودمان (پیامبر اسلام) نازل کرده‌ایم شک و شبهه‌ای دارید (و فکر می‌کنید این شک و تردید شما نسبت به آیات قرآن درست و بجاست) پس شما با کمک همه یاوران و کارشناسانی که دارید فقط یک سوره مثل سوره‌های قرآن بیاورید، اگر راست می‌گویید این کار را انجام دهید. (۲۳)

پس اگر نتوانستید این کار را انجام دهید و هرگز هم نمی‌توانید انجام دهید، پس از آتش جهنم بترسید (و چنین انکار و مخالفتی نکنید) آن آتشی که مواد سوختنی آن، مردم بدکار (منکر قرآن) و سنگهایی (که بعنوان بت می‌پرستید) بوده و چنین آتشی برای کافران آماده شده است. (۲۴)

لغات جدید: ۶۸ لغت

بَشِّرْ: بشارت بده. **عَمِلُوا**: انجام دادند. **الصَّالِحَاتِ**: کارهای شایسته. **أَنْ**: به راستی که. **جَنَّاتٍ**: باغ‌ها. **تَجْرِي**: جریان دارد. **تَحْتِهَا**: زیر آن. **الْأَنْهَارُ**: نهرها. **رُزِقُوا**: روزی داده شدند. **مِنْهَا**: از آن. **ثَمَرَةً**: میوه. **هَذَا**: این. **رُزِقْنَا**: روزی داده شدیم. **قَبْلَ**: قبلاً. **أَتُوا بِ**: آورده شدند (آورده می‌شود برای آنها، **أَتُوا بِهِ**: آن «روزی‌ها» برای آنها آورده شود). **مُنْشَأِبِهَا**: شبیه به هم. **فِيهَا**: در آن. **أَزْوَاجٌ**: همسران، اصناف، انواع، جفت‌ها، گروه‌ها. **مُطَهَّرَةٌ**: پاکیزه. **خَالِدُونَ**: ماندگاران، جاودانه‌ها. **لَا يَسْتَحْيِي**: خجالت نمی‌کشد. **أَنْ يُضْرَبَ**: اینکه بزند. **مَثَلًا**: مثال. **بِعُوضَةٍ**: پشه. **فَمَا (فَ+ مَا)**: پس آنچه **فَوْقَهَا**: بالاتر از آن. **فَأَمَّا**: پس اما. **فَيَعْلَمُونَ**: پس می‌دانند **أَنَّهُ**: مسلماً آن. **الْحَقُّ**: حق. **أَمَّا**: اما. **فَيَقُولُونَ**: پس می‌گویند **مَاذَا**: چه چیز. **أَرَادَ**: اراده کرد. **بِهَذَا**: به این. **يُضِلُّ**: گمراه می‌کند. **كَثِيرًا**: بسیار. **يَهْدِي**: هدایت می‌کند. **مَا يُضِلُّ**: گمراه نمی‌کند. **الْفَاسِقِينَ**: فاسقان، نافرمانی‌کنندگان. **يَنْقُضُونَ**: نقض می‌کنند. **عَهْدَ**: پیمان. **بَعْدَ**: بعد از. **مِيثَاقَهُ**: پیمان او. **مِيثَاقُ**: پیمان محکم، تعهد. **يَقْطَعُونَ**: قطع می‌کنند. **أَمْرَ**: دستور داد. **أَنْ يُوصَلَ**: اینکه وصل گردد. **يُفْسِدُونَ**: فساد می‌کنند. **الْخَاسِرُونَ**: خسارت دیدگان، زیانکاران. **كَيْفَ**: چگونه، هرطور. **تَكْفُرُونَ**: کافر می‌شوید. **أَمْوَاتًا**: مردگان. **فَأَحْيَاكُمْ**: پس زنده کرد شما را. **ثُمَّ**: سپس. **يُمِيتُكُمْ**: می‌میراند شما را. **يُحْيِيكُمْ**: زنده می‌کند شما را. **إِلَيْهِ**: به سوی او. **تَرْجِعُونَ**: باز گردانده می‌شوید. **هُوَ**: او. **خَلَقَ**: آفرید. **جَمِيعًا**: همه. **أَسْتَوَى**: قصد کرد، پرداخت نمود، راست و برابر شد، کامل شد، تعادل پیدا کرد، معتدل شد، مستقر شد، قرار گرفت، مسلط شد، استیلا یافت، احاطه نمود. **فَسَوَّاهُنَّ**: پس مرتب نمود آنان را. **سَبْعَ**: هفت. **سَمَاوَاتٍ**: آسمان‌ها. **بِكُلِّ**: به همه، به هر. **عَلِيمٌ**: بسیار دانا

لغات تکراری

الَّذِينَ ۱ آمَنُوا ۳ لَهُمْ ۳ مِنْ ۲ كُلَّمَا ۴ رَزَقُوا ۴ قَالُوا ۳
الَّذِي ۴ بِهِ ۴ هُمْ ۲ إِنَّ ۳ مَا ۲ رَبَّهُمْ ۲ كَفَرُوا ۳ إِلَّا
۳ فِي ۳ الْأَرْضِ ۳ أُولَئِكَ ۲ بِاللَّهِ ۳ كُنْتُمْ ۴ لَكُمْ ۴
إِلَى ۳ السَّمَاءِ ۴ شَيْءٌ ۴

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

«ایمان و عمل صالح» دو شرط اصلی برای رفتن به بهشت:

(ای پیامبر) کسانی که (به خدا و قرآن و پیامبر ﷺ) ایمان آوردند (و آنها را تصدیق کردند) و کارهای شایسته (و اعمال خوبی که در دین اسلام گفته شده است، همه آنها را به طور کامل و بدون چون و چرا) انجام داده‌اند، به آنها مژده بده باغهای (بهشتی) را که رودهایی از زیر درختان آن جاری می‌باشد و هر گاه از میوه‌های آن باغها بهره‌مند می‌شوند می‌گویند: این (میوه‌ها مثل) همان است که قبلاً (در دنیا) از آن بهره‌مند بودیم و به آنها (از میوه‌های گوناگون بهشتی که) شبیه به هم هستند داده می‌شود و نیز همسران پاک (بهشتی) برای آنها خواهد بود و اهل بهشت برای همیشه در آنجا می‌مانند. ﴿۲۵﴾

واکنش اهل ایمان و کافران در مقابل منتهای قرآن:

خداوند از اینکه به (موجودات کوچکی مانند) پشه و حتی کمتر از آن، مثال بزند خجالت نمی‌کشد (زیرا با مثال زدن برای مخاطبین، می‌خواهد بعضی از حقایق و معارف دینی را تفهیم نماید اما بعضی از مردم چون با حقایق و معارف دین مخالفند و نمی‌خواهند عمل کنند، برای فرار از عمل کردن به معارف دینی، با ایجاد شک و شبهه در گفتار خداوند، زمینه مخالفت را فراهم می‌کنند ولی) مؤمنان می‌دانند هر مثالی که از جانب خداوند باشد حق است (و لذا تسلیم گفته‌های خداوند می‌شوند) اما کافران (این مثل کوچک را بهانه کرده و به عنوان مخالفت) می‌گویند: چرا خداوند به موجود کوچکی مانند پشه مثال می‌زند، هدف خداوند از اینگونه مثل‌ها چیست؟

هدف خداوند از زدن مثل‌ها:

خداوند (برای تفهیم بعضی از حقایق، از مثال‌هایی استفاده می‌کند، اما بعضی از افراد لجوج مخالفت می‌کنند، خداوند نیز آن کافرانی را که آگاهانه به دنبال گمراهی و لجبازی هستند) گمراه می‌کند و کسانی (که در مقابل گفته‌های خداوند تسلیم بوده و به دنبال هدایت باشند، آنها را) هدایت می‌کند و فقط افراد فاسق گمراه می‌شوند. ﴿۲۶﴾

نشانه‌های افراد فاسق:

(افراد فاسق) کسانی هستند که «پیمان‌هایی را که با خداوند بسته‌اند» می‌شکنند (مثل قوم یهود و نصاری که خداوند از آنها عهد و پیمان گرفته بود که به تورات و انجیل عمل کنند و از پیامبرانشان اطاعت کنند ولی آنان پیمان‌شان را شکستند و همچنین هر امتی که به دستورات دین خدا «که نوعی عهد و پیمان با خدا است» عمل نکنند در واقع فاسق هستند، و همچنین (کسانی که) روابط و پیوندهایی که خداوند دستور داده تا برقرار سازند، قطع می‌نمایند (یعنی کسانی که روابط خود را با خداوند و پیامبران الهی یا با مؤمنان و بستگان خود قطع نمایند از فاسقان هستند و نتیجه قطع رابطه با خدا و دوستان خدا این است که در جامعه) فساد و تبهکاری می‌کنند و آنها از زیانکاران هستند. ﴿۲۷﴾

راههای خداشناسی:

(راههای شناخت خداوند و اثبات وجود او، با مطالعه در زندگی و حیات موجودات کاملاً روشن است) پس چگونه وجود خداوند را انکار می‌کنید در حالی که شما جسم بی‌روح و بی‌جانی بودید که خداوند به شما جان داد و سپس (بعد از پایان زندگی و تمام شدن عمرتان) شما را می‌میراند و سپس شما را (در روز قیامت) زنده می‌کند و دوباره به سوی او باز می‌گردید (حال که مرگ و زندگی شما به دست خداست پس او را بشناسید و سپاسگزاری کنید). ﴿۲۸﴾

آفرینش هفت آسمان و زمین:

او (خدایی است) که هر آنچه (از نعمت‌ها برای زندگی شما مورد نیاز است) در روی زمین آفرید و سپس آسمان‌های هفت‌گانه را آفرید و آنها را منظم و مرتب نمود (تا شما از نعمت‌های آسمانی نیز بهره‌مند شوید) آری خداوند به همه چیز (و همه نیازها و مصلحت‌های شما) آگاهی کامل دارد. ﴿۲۹﴾

لغات جدید: ۸۲ لغت

إِذْ هَنَّاكَمِي كَه ، زِيَرَا . قَالَ : كَفْت . رُشِك : پُروردگار
 تَو . لِلْمَلَانَكَةِ : به فرشتگان . إِنِّي : قطعاً من .
 جَاعِلٌ : قَرَار دهنده . خَلِيفَةً : جانشین . أَتَجْعَلُ : آیا
 قَرَار می دهی . يُفْسِدُ : فساد می کند . يَسْفِكُ : می ریزد
 (خونریزی می کند از روی دشمنی و عداوت) .
 الدَّمَاءُ : خون ها . نُسِجٌ : به پاکی می ستاییم . يَحْمَدُ : همراه با
 ستایش تو . تُقَدِّسُ : پاک می شماریم . لَكَ : برای تو ، تو را .
 أَعْلَمُ : می دانم . لَا تَعْلَمُونَ : نمی دانید . عَلَّمَ : یاد داد . آدَمَ :
 حضرت آدم . الْأَسْمَاءُ : اسم ها . كُلَّهَا : همه آن . عَرَضَهُمْ : عرضه
 کرد بر آنها . الْمَلَائِكَةُ : فرشتگان . فَقَالَ : پس گفت . أَنْبِئُونِي :
 خبر دهید به من . بِأَسْمَاءٍ : به اسم ها . هَؤُلَاءِ : آنها . سُبْحَانَكَ :
 پاک و منزهی تو . عَلِمَ : آگاهی . لَنَا : برای ما . عَلَّمْتَنَا : یاد
 دادی به ما . إِنَّكَ : مسلماً تو . أَنْتَ : تو . الْحَكِيمُ : حکیم . يَا :
 ای . أَنْبِئُهُمْ : خبر بده به آنها . بِأَسْمَائِهِمْ : به اسم هایشان .
 أَنْبَأَهُمْ : خبر داد به آنها . أَلَمْ أَقُلْ : آیا نگفتم . غَيْبٌ : پنهان .
 تُبْدُونَ : آشکار می کنید . كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ : کتمان می کردید . قُلْنَا :
 گفتیم . اسْجُدُوا : سجده کنید . لِآدَمَ : برای حضرت آدم .
 فَسَجَدُوا : پس سجده کردند . إِبْلِيسَ : شیطان . أَبَى : نافرمانی
 کرد . اسْتَكْبَرَ : تکبر نمود . كَانَ : گردید ، بود . الْكَافِرِينَ :
 کافران . اسْكُنْ : سکونت کن . زَوْجَكَ : همسرت . الْجَنَّةُ :
 بهشت ، باغ . كُلَّا : بخورید . رَغَدًا : فراوان ، گوارا . حَيْثُ :
 هر جا . شِئْتُمَا : خواستید . لَا تَقْرَبَا : نزدیک نشوید .
 هَذِهِ : این . الشَّجَرَةَ : درخت . فَتَكُونَا : پس
 می گردید . الظَّالِمِينَ : ستمگران . فَأَزَلَّهُمَا : پس
 لغزاید آن دو را . الشَّيْطَانُ : شیطان ، ابلیس . عَنْهَا : از آن .
 فَأَخْرَجَهُمَا : پس خارج ساخت آن دو را . كَانَا : بودند . اهْبِطُوا :
 فرود آید . بَعْضُكُمْ : بعضی از شما . لِبَعْضٍ : برای بعضی .
 عَدُوٌّ : دشمن . مُسْتَقَرٌّ : محل استقرار . مَتَاعٌ : هر چیزی که از آن
 بهره برده شود . حِينَ : وقت ، زمان . فَتَلَقَى : پس دریافت کرد .
 رَبَّهُ : پروردگارش . كَلِمَاتٍ : کلمه ها (منظور از کلمات ، نام های
 مقدس «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» بوده
 است) . فَتَابَ : پس توبه کرد ، توجه نمود ، روگرد ، بازگشت
 (فتاب علیه: پس توبه او را پذیرفت) . عَلَيْهِ : بر او . إِنَّهُ :
 مسلماً او . التَّوَابُ : بسیار توبه پذیر

لغات تکراری

فی ۳ الأرض ۳ قَالُوا ۳ فِيهَا ۵ مَنْ ۳ نَحْنُ ۳ مَا ۲
 ثُمَّ ۵ عَلَى ۲ إِنَّ ۴ كُنْتُمْ ۴ صَادِقِينَ ۴ لَا ۱ إِلَّا ۳
 الْعَلِيمُ ۵ فَلَمَّا ۴ لَكُمْ ۴ السَّمَاوَاتِ ۵ مِنْ ۲ مِنْهَا ۵
 مِمَّا ۲ فِيهِ ۲ إِلَى ۳ هُوَ ۵ الرَّحِيمُ ۱

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي
 الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ
 فِيهَا وَيَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ
 وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ
 ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ
 عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ
 لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ
 الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَتَّخِذُمْ أَنْبِئُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا
 أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ
 غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
 كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
 لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ
 مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَتَّخِذُمْ أَسْكُنْ أَنْتَ وَ
 زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا
 وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾
 فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ
 وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي
 الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ
 رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

خلفت حضرت آدم علیه السلام برای خلافت در روی زمین:

و هنگامی که خداوند به فرشتگان فرمود: همانا می‌خواهم (موجودی از جنس بشر بیافرینم و او را بعنوان جانشین و) نماینده‌ای در روی زمین قرار دهم.

(فرشتگان با توجه به ذهنیتی که از انسان‌های فسادگر قبل از حضرت آدم علیه السلام داشتند با علم محدودشان، خیال کردند که این انسان نیز همانند انسان‌های قبلی اهل فساد و خونریزی خواهد بود و شایستگی مقام خلافت و جانشینی خداوند را ندارد و از طرفی خودشان را برترین موجود برای پرستش و عبادت الهی می‌پنداشتند بنابراین فرشتگان) گفتند: (خدایا) آیا در روی زمین کسی را بعنوان خلیفه قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند در حالی که ما به ستایش و پرستش تو مشغولیم و تو را (از هر عیب و نقص) به پاکی یاد می‌کنیم.

(خداوند در جواب اعتراض فرشتگان) فرمود: قطعاً من (از اسرار و حکمت آفرینش آدم و استعدادها و لیاقت و برتری او چیزهایی) می‌دانم که شما (فرشتگان) آن (مسائل پشت پرده و اسرار خلقت آدم) را نمی‌دانید (و شما شایستگی خلافت و استعدادهای او را ندارید).

(۳۰)

حقایق و اسرار که خداوند به حضرت آدم علیه السلام یاد داد:

(خداوند حضرت آدم علیه السلام را آفرید و) نام (همه موجودات و مخلوقات عالم و همچنین اسرار هستی و حقایق) همه چیز را به آدم علیه السلام آموخت سپس آن اسرار و حقایق (و مسمیات) را به فرشتگان عرضه نموده و فرمود: اگر شما راست می‌گویید (که از آدم برتر بوده و به مقام خلافت شایسته‌ترید) نام این (موجودات و مخلوقات و اسرار آنها) را به من خبر دهید. (۳۱)

تسلیم فرشتگان در برابر حکمت و علم خداوند:

(فرشتگان، چون نتوانستند اسرار و حقیقت آنها را بیان کنند بالاخره در برابر پروردگار به حالت تسلیم) گفتند: (خدایا، علم ما محدود و ناقص است اما) تو از هر عیب و نقصی منزهی، ما علمی جز آنچه به ما آموخته ای نداریم (دانش محدود و ناقص ما نمی‌تواند به حقایق و اسرار هستی پی ببرد)، حقاً که تو بسیار دانا و حکیم هستی (و آفرینش آدم علیه السلام نیز بر اساس حکمت و مصلحت و علم بی‌انتهای تو، کاملاً بجاست).

(۳۲)

(وقتی فرشتگان از درک اسرار آفرینش باز ماندند، خداوند به آدم علیه السلام فرمود: ای آدم نام هر یک (از موجودات و اسرار آفرینش آنها) را برای فرشتگان بازگو کن (تا برتری و شایستگی تو بر فرشتگان اثبات شود) پس هنگامی که (آدم علیه السلام) فرشتگان را از نامها (و اسرار موجودات) باخبر کرد (بدینوسیله، برتری و لیاقت آدم علیه السلام برای خلافت الهی ثابت شد و آنگاه) خداوند (خطاب به فرشتگان) فرمود: آیا به شما نگفتم که من قطعاً اسرار موجوداتی را که در آسمان و زمین پنهان است (بهتر از شما) می‌دانم و نیز هرچه را که شما آشکار و پنهان دارید، من می‌دانم؟! (۳۳)

نهی فرشتگان از آدم علیه السلام و سرپیچی ابلیس:

(خداوند می‌فرماید: هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید (و خضوع و تواضع نمایید) همه فرشتگان سجده کردند ولی ابلیس که (در میان آنها بود سجده نکرد و از فرمان خداوند سرپیچی کرد و) تکبر ورزید و (به خاطر حسادت مقام آدم علیه السلام و تکبر در برابر دستور خداوند) از کافران گردید.

(۳۴)

سکونت آدم علیه السلام و همسرش در بهشت:

(خداوند می‌فرماید: گفتیم ای آدم، تو و همسرت در بهشت سکونت کنید و از (نعمت‌های) آن، هر طور که دلتان می‌خواهد بخورید اما به این درخت (انگور یا گندم) نزدیک نشوید که (در این صورت) از ستمکاران خواهید بود. (۳۵)

(۳۵)

خروج آدم و حوا علیه السلام از بهشت:

(ابلیس به مقام والای حضرت آدم علیه السلام حسادت ورزید و تصمیم گرفت که آدم علیه السلام را از آن مقام برکنار کند؛ بنابراین ابلیس برای آدم علیه السلام قسم خورد که اگر از آن درخت ممنوعه میل کند جاودانه خواهد ماند) و ابلیس با این وسوسه موجب لغزش آدم علیه السلام و همسرش شد و آنها را از آن (نعمت‌هایی که از آن بهره‌مند بودند) بیرون کرد (و خداوند) فرمود: همه شما (آدم، حوا و ابلیس از این مکان) فرود آید که بعضی از شما دشمن بعضی هستید (و مکان زندگی) و محل استقرار شما در روی زمین است تا مدت معینی (که عمرتان به پایان برسد).

(۳۶)

توبه حضرت آدم علیه السلام:

(حضرت آدم علیه السلام پس از فرود آمدن به زمین، از کرده خویش پشیمان شد و خواست توبه کند و خداوند کلمات توبه را به آدم علیه السلام الهام نمود تا توبه کند) پس آدم کلمات (توبه را از پروردگارش دریافت نمود و توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت (و از خطایش درگذشت و مشمول رحمت خود نمود زیرا) خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (۳۷)

(۳۷)

لغات جدید: ۶۹ لغت

فَإِمَّا: پس اگر . **يَأْتِيَنَّكُمْ**: حتماً می آید برای شما . **مِّنِّي**: از من
فَمَنْ (فَ + مَنْ): پس هر کس ، پس کسی که . **تَبِعَ**: پیروی
کرد . **هُدًى**: هدایت من . **فَلَا**: پس نیست . **خَوْفَ**:
ترس . **لَا يَخْزُونَ**: اندوهگین نمی شوند . **كَذَّبُوا**:
تکذیب کردند ، دروغ پنداشتند . **بِآيَاتِنَا**: آیات ما را .
اصحاب: اهل ، همراهان . **بَنِي إِسْرَائِيلَ**: قوم بنی اسرائیل .
أُذْكُرُوا: به یاد آورید . **نِعْمَتِي**: نعمت من . **أَنْعَمْتُ**: عطا کردم .
عَلَيْكُمْ: بر شما . **أَوْفُوا**: وفا کنید . **بِعَهْدِي**: به عهد من . **أَوْفَ**:
وفا کنم . **بِعَهْدِكُمْ**: به عهد شما . **إِنِّي**: مرا . **فَارْهَبُونِ**: پس
بترسید از من . **أَنْزَلْتُ**: نازل کردم . **مُصَدِّقًا**: تصدیق کننده .
لَمَّا: برای آنچه . **لَا تَكُونُوا**: نباشید . **أَوَّلَ**: نخست . **كَافِرٍ**: کافر ،
انکار کننده . **لَا تَشْتَرُوا**: نفروشید . **بِآيَاتِي**: آیات مرا . **فَمَنْ**:
بها ، عوض . **قَلِيلًا**: اندک . **فَاتَّقُونِ**: پس بترسید
از من . **لَا تَلْبِسُوا**: مخلوط نکنید ، مشتبه ننمایید .
بِالْبَاطِلِ: با باطل . **وَالَا تَكْتُمُوا**: و کتمان نکنید ،
و پنهان نکنید . **أَقِيمُوا**: به پا دارید . **آتُوا**: پردازید .
الزَّكَاةَ: زکات ، پاکی (مالی که در راه خدا انفاق می شود
و باعث پاکی می شود) . **إِرْكَعُوا**: رکوع کنید .
مَعَ: با ، به همراه . **الرَّاكِعِينَ**: رکوع کنندگان . **أَتَأْمُرُونَ**: آیا امر
می کنید . **بِالْبَرِّ**: به خیر و نیکی . **تَنْسَوْنَ**: فراموش می کنید .
أَنْفُسَكُمْ: خودتان . **تَتْلُونَ**: تلاوت می کنید . **أَفَلَا تَعْقِلُونَ**: پس
آیا نمی اندیشید . **اسْتَعِينُوا**: یاری بجوید . **بِالصَّبْرِ**: به وسيله
صبر . **إِنَّهَا**: مسلماً آن . **لَكَبِيرَةٌ**: حتماً سنگین (است) .
الْخَاشِعِينَ: فروتنان (کسانی که با حالت فروتنی فرمانبردارند)
يُظُنُّونَ: گمان می کنند ، یقین می کنند ، می دانند ،
می فهمند ، می پندارند . **أَنْهُمْ**: همانا آنان . **مُلَاقُوا**:
ملاقات کنندگان . **رَاجِعُونَ**: بازگشت کنندگان . **أَنِّي**: همانا من
فَضَّلْتُكُمْ: برتری دادم شما را . **اتَّقُوا**: بترسید . **لَا تَجْزِي**: جزا
نمی دهد ، کفایت نمی کند ، بی نیاز نمی کند . **نَفْسٌ**: کسی ،
شخص ، فرد ، خود ، جان ، روح ، ذات ، قلب ، تمایلات ،
غرائز . **عَنْ**: از ، به دلیل ، به جای . **لَا يَقْبَلُ**: قبول نمی شود .
شَفَاعَةٌ: شفاعت . **لَا يُؤْخَذُ**: گرفته نمی شود . **عَدْلٌ**: معادل ،
عوض ، برابر . **لَا يُنْصَرُونَ**: یاری نمی شوند

لغات تکراری

قُلْنَا ۶ اهْبِطُوا ۶ مِنْهَا ۵ جَمِيعًا ۵ هُدًى ۲ عَلَيْهِمْ ۱ هُم
۲ الَّذِينَ ۱ كَفَرُوا ۳ أُولَئِكَ ۲ النَّارُ ۴ خَالِدُونَ ۵ يَا ۶
الَّتِي ۴ آمَنُوا ۳ بِمَا ۲ مَعَكُمْ ۳ به ۴ الْحَقُّ ۵ انتم ۴
تَعْلَمُونَ ۴ الصَّلَاةَ ۲ النَّاسَ ۳ الْكِتَابَ ۲ إِلَّا ۳ عَلَى ۲
رَبِّهِمْ ۲ إِلَيْهِ ۵ الْعَالَمِينَ ۱ يَوْمًا ۱ شَيْئًا ۴

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي
هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٩﴾
يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ
وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِنِّي فَارْهَبُونِ ﴿٣٠﴾
وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا
تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۚ وَلَا تَشْتَرُوا بِآبَاتِي
ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْبِسُوا
الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ
الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَرِّ وَتَنْسَوْنَ
أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ نَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
﴿٤٤﴾ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا
لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ
أَنْهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنْهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾
يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ
وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا
لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا
شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٨﴾

عاقبت کسانی که از دستورات و هدایت‌های الهی پیروی کنند:

(خداوند، پس از لغزش حضرت آدم علیه السلام فرمود:) همگی از آن (بهشت) فرود آیید (و برای زندگی در روی زمین، منتظر راهنماییها و هدایت‌های من باشید) و حتماً دستورات و قوانین هدایت‌بخش (دین من) برای شما خواهد آمد، پس اگر کسی از آن دستورات و رهنمودهای هدایت‌بخش من، اطاعت کند، (رحمت‌ها و پاداشهای الهی شامل حالش می‌شود و در روز قیامت هیچ‌گونه) ترسی نخواهد داشت و (نیز به هنگام مرگ) غمگین و اندوهگین نخواهد شد (زیرا ترس و غم و اندوه، در دنیا و آخرت برای کسانی است که از دستورات و هدایت‌های الهی پیروی نکرده باشند). (۳۸)

عاقبت کسانی که قوانین و دستورات الهی را انکار کنند:

و اما کسانی که (رهنمودهای الهی را نپذیرند و به آن) کفر ورزند و آیات (و رهنمودهای الهی را دروغ پنداشته و) تکذیب کنند، آنها اهل دوزخند و همیشه در جهنم خواهند ماند.

«داستان بنی اسرائیل» (سرگذشت و سرنوشت عبرت‌آموز آنها)

ای قوم یهود نعمت‌های مرا (از قبیل: ارسال پیامبران الهی همچون موسی و عیسی و نزول کتابهای آسمانی تورات و انجیل و نجات شما از جنگال فرعونیان را همواره) به یاد داشته باشید (و فراموش نکنید و سپاسگزار خداوند باشید). (ای قوم یهود و نصاری، نسبت) به عهدها و پیمانهای من (و عمل به دستورات تورات و انجیل و نیز اطاعت از پیامبران) وفادار بوده و عمل کنید تا من هم به عهده‌ی که با شما دارم (یعنی قول پادشاهی را که به شما داده‌ام) وفا کنم. از (اینکه نعمت‌هایم را انکار کرده و با دستوراتم مخالفت کنید، از مجازات) من بترسید (و به دستوراتم عمل کنید). (۴۰)

(ای یهودیان و مسیحیان که در عصر پیامبر اسلام هستید) به آنچه (از قرآن) نازل کرده‌ام ایمان بیاورید (و قرآن را تصدیق نمایید زیرا قرآن) تصدیق‌کننده حقایق تورات و انجیل شماست (پس باید به قرآن عمل کنید زیرا این مطلب در کتابهای آسمانی شما بیان شده است).

(ای علمای یهود، شما به حقایق قرآن آگاه هستید بنابراین در انکار آن پیشقدم نشوید) و نخستین کافر به آن نباشید (که در این صورت نسل‌های آینده و همچنین عوام قوم شما، به تبعیت از شما علما، در عصرهای آینده کافر می‌شوند و در واقع برای همیشه حقایق کتابهای آسمانی زیر سؤال می‌رود).

(ای علمای یهود، شما با تحریف آیات تورات و انجیل که درباره نزول قرآن و پیامبر اسلام است، به خاطر منافع دنیوی و به‌دست‌آوردن موقعیت و مال دنیا) آیات مرا (با تحریف کردن) به قیمت کم نفروشید و از خداوند بترسید (و نشانه‌های پیامبر اسلام را کتمان نکنید). (۴۱)

(ای علمای یهود) آیات حق را با سخنان باطل خود مخلوط نکنید (تا با مغلطه‌گویی و ایجاد شبهه، حق را بر مردم مشتبه کنید) شما علما، حق را می‌شناسید پس (نشانه‌های بر حق پیامبر اسلام و حقایق قرآن را) کتمان نکنید (تا مردم گمراه شوند). (۴۲)

اقامة نماز و پرداخت زکات:

(نه تنها با خواندن نماز به یاد خدا باشید بلکه کاری کنید که مسئله) نماز در بین مردم برپا شود (تا با اقامة نماز در جامعه، مردم همیشه پیاد خدا باشند) و با پرداخت زکات مالتان (نیازهای مادی حاجتمندان جامعه را تأمین کنید) و همراه رکوع کنندگان رکوع نمایید (و نماز را با جماعت بخوانید). (۴۳)

شرط امر به معروف:

آیا مردم را به کارهای نیک دعوت می‌کنید و (امر به معروف می‌کنید) اما وظیفه خودتان را (در عمل به کارهای خوب) فراموش می‌کنید در حالی که شما کتاب خدا را می‌خوانید (و می‌دانید شرط تأثیر معروف این است که خودتان را در انجام معروف و کارهای خوب فراموش نکنید). پس آیا (در گفتار و اعمال خود) فکر و اندیشه نمی‌کنید؟! (که دیگران به حرف‌ها و گفته‌های شما عمل کنند و به سعادت برسند ولی خودتان به خاطر عمل نکردن به گفتار خود از سعادت محروم بمانید!) (۴۴)

فایده صبر و نماز:

(در انجام تکالیف دینی و برای پیروزی در مشکلات خودتان) از نماز و صبر (و روزه) کمک بگیرید، البته این کار دشوار است مگر برای خاشعان (فقط خاشعان این حقیقت را درک می‌کنند که آثار معنوی نماز و روزه چقدر برای تقویت روح و اراده انسان در انجام تکالیف و حل مشکلات مؤثر است). (۴۵)

خاشعین چه کسانی هستند:

خاشعین کسانی هستند که یقین دارند (در روز قیامت) با پروردگارشان ملاقات خواهند نمود و حتماً به سوی خدا باز می‌گردند. (۴۶)

خیالهای باطل یهود و هشدار خداوند به آنها:

ای بنی اسرائیل به یاد بیاورید نعمتهای مادی و معنوی و امنیتی که به شما عطا کردیم (و همچنین به سبب هدایت و ایمان) شما را بر مردمان (بت‌پرست زمان خودتان) برتری داده‌ام، (پس باید سپاسگزار این نعمتها باشید). (۴۷)

چگونگی مجازات در روز جزا:

و از روز قیامت بترسید که (در آن روز) هیچ‌کس نمی‌تواند از کس دیگر، عذابی را دفع کند (و کسی بدرد کسی نمی‌خورد) و شفاعت (دیگران درباره او) پذیرفته نمی‌شود و (برای آزادی از مجازاتهای جهنم) غرامت و عوض گرفته نمی‌شود و مجرمان یاری نمی‌شوند. (۴۸)

لغات جدید: ۶۰ لغت

نَجِّنَاكُمْ: نجات دادیم شما را. **آل:** اطرافیان، نزدیکان، خاندان **فِرْعَوْنَ:** فرعون. **يَسُوءُونَكُمْ:** کارهای سخت و طاقت فرسا را تحمیل می کنند به شما، می رنجانند شما را. **سُوء:** بد (سوء العذاب: عذاب دردناک). **يُذَبِّحُونَ:** ذبح می کنند، سر می برند. **أَبْنَاءَكُمْ:** پسران شما. **يَسْتَحْيُونَ:** زنده نگه می دارند. **نِسَاءَكُمْ:** زنان شما. **ذَلِكَ:** آن. **بَلَاء:** آزمون، امتحان. **فَرَقْنَا:** جدا ساختیم، شکافتیم. **بِكُمْ:** برای شما، به وسیله شما. **الْبَحْر:** دریا. **فَأَنْجَيْنَاكُمْ:** پس نجات دادیم شما را. **أَغْرَقْنَا:** غرق کردیم. **تَنْظُرُونَ:** دقیقاً تماشا می کنید، به دقت نظر می کنید. **وَأَعْدَدْنَا:** وعده گذاشتیم. **مُوسَى:** حضرت موسی. **أَرْبَعِينَ:** چهل. **لَيْلَةً:** شب. **اتَّخَذْتُمْ:** گرفتید، انتخاب کردید. **الْعَجَل:** گوساله. **بَعْدَهُ:** بعد از آن. **ظَالِمُونَ:** ستمگران. **عَفْوًا:** عفو کردیم، صرف نظر کردیم. **عَنْكُمْ:** از شما. **تَشْكُرُونَ:** شکرگزاری می کنید، سپاسگزاری می کنید. **آتَيْنَا:** دادیم. **الْفُرْقَان:** جداکننده حق از باطل. **تَهْتَدُونَ:** هدایت می پذیرید. **لِقَوْمِهِ:** به قوم او (به قوم خودش). **قَوْم:** قوم من. **إِنَّكُمْ:** مسلماً شما. **ظَلَمْتُمْ:** ستم کردید. **بَاتَّخَذَكُمْ:** به سبب گرفتن شما. **فَتُوبُوا:** پس توبه کنید. **بَارِئَكُمْ:** خالق تان، آفریدگارتان **فَأَقِمْ وَجْهَكَ:** پس بکشید. **خَيْرًا:** بهتر، مال. **عند:** پیش، جانب، نزد، نزدیک. **قُلْتُمْ:** گفتید. **لَنْ نُؤْمِنَ:** هرگز ایمان نمی آوریم. **حَتَّى:** تا اینکه، تا. **نَرَى:** می بینیم، ببینیم. **جَهَنَّمَ:** آشکارا. **فَأَخَذْتُمْ:** پس فراگرفت شما را. **الصَّاعِقَةُ:** صاعقه. **بَعَثْنَاكُمْ:** زنده کردیم شما را. **مَوْتَكُمْ:** مرگ تان. **ظَلَّلْنَا:** سایبان قرار دادیم. **الْغَمَام:** ابر. **أَنْزَلْنَا:** فرود آوردیم. **الْمَن:** مایعی شبیه عسل. **السَّلْوَى:** پرنده ای شبیه کبوتر، بلدرچین. **كُلُوا:** بخورید. **طَبِيبَات:** پاکیزه ها. **رَزَقْنَاكُمْ:** روزی دادیم به شما. **مَا ظَلَمُونَا:** ظلم نکردند به ما. **كَانُوا يَظْلِمُونَ:** ستم می کردند

لغات تکراری

۱. **إِذْ** ۲. **الْعَذَابِ** ۳. **فِي** ۴. **رَبِّكُمْ** ۵. **عَظِيمٌ** ۶. **أَنْتُمْ** ۷. **بَعْدَ** ۸. **ذَلِكَ** ۹. **لَعَلَّكُمْ** ۱۰. **الْكِتَابِ** ۱۱. **قَالَ** ۱۲. **يَا** ۱۳. **أَنْفُسَكُمْ** ۱۴. **إِلَى** ۱۵. **لَكُمْ** ۱۶. **فَتَابَ** ۱۷. **عَلَيْكُمْ** ۱۸. **إِنَّهُ** ۱۹. **هُوَ** ۲۰. **التَّوْبَةُ** ۲۱. **الرَّحِيمِ** ۲۲. **لَكَ** ۲۳. **مَا** ۲۴. **لَكِنْ** ۲۵. **أَنْفُسَهُمْ**

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوءُونَكُمْ سِوَاءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ نَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْنُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَمُ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ نَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

نجات قوم بنی اسرائیل از جنگ فرعونیان:

(ای قوم بنی اسرائیل به یاد داشته باشید) هنگامی که شما را از (چنگال رژیم) فرعون نجات دادیم (همان رژیمی) که بدترین و شدیدترین شکنجه‌ها را بر شما تحمیل می‌کردند (و شما را به شدت آزار و اذیت می‌کردند) پسرانتان را سر می‌بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند (که خداوند به وسیله حضرت موسی علیه السلام شما را از دست رژیم فرعون نجات داد) و این (نجات شما از چنگال زور و ستم فرعونیان، در واقع) نعمت بزرگی بود از جانب پروردگارتان برای شما ﴿۴۹﴾

غرق شدن فرعونیان در دریا و نجات بنی اسرائیل به همراه حضرت موسی علیه السلام:

(مأموران رژیم فرعون، در تعقیب بنی اسرائیل بودند و تا رود بزرگ نیل آنها را دنبال کردند، وقتی که به لب دریا رسیدند، خداوند دستور داد: ای موسی، عصای خود را به دریا بزن،) و آنگاه برای نجات شما دریا را شکافتیم و شما را نجات دادیم (اما پس از گذشتن شما از دریا، لشکر فرعون برای تعقیب و دستگیری شما وارد دریا شدند و آبهای دریا دوباره به هم پیوستند و بدینوسیله) آنها را غرق کردیم درحالی که شما (هلاکت آنها را) به چشم خود دیدید (پس این نعمت بزرگ آزادی را همیشه به خاطر داشته و شکرگزار این نعمت باشید). ﴿۵۰﴾

گوساله پرستی قوم حضرت موسی علیه السلام پس از نجات از چنگال فرعونیان:

(ای قوم بنی اسرائیل به یاد آورید) وقتی که (برای تحویل کتاب تورات در کوه طور) چهل شب با موسی وعده گذاشتیم، آن گاه شما (از این فرصت سوء استفاده کرده و در غیاب حضرت موسی علیه السلام) گوساله را برای پرستش انتخاب کردید و (در واقع شما با این شرک و گوساله پرستی، جزو ستمکاران و مشرکان شدید و با از دست دادن توحید و خداپرستی) به خودتان ظلم کردید. ﴿۵۱﴾

عفو و گذشت خداوند از گناه بزرگ قوم موسی علیه السلام:

سپس (به دنبال توبه شما از گوساله پرستی، از مجازات شما درباره گوساله پرستی درگذشتیم و) شما را عفو کردیم تا این که شما هم سپاسگزار (این عفو الهی) باشید. ﴿۵۲﴾

تحویل تورات به موسی علیه السلام برای هدایت قومش:

(ای بنی اسرائیل، به یاد بیاورید) زمانی که کتاب تورات وسیله تشخیص (حق از باطل را) به حضرت موسی علیه السلام دادیم تا اینکه (شما با عمل به دستورات تورات) هدایت یابید. ﴿۵۳﴾

مجازات تاریخی و عبرت انگیز برای گوساله پرستان بنی اسرائیل:

(ای بنی اسرائیل بیاد بیاورید) آن گاه که حضرت موسی علیه السلام به قومش گفت: ای قوم من، شما در اثر گوساله پرستی به خودتان ظلم کردید پس به سوی خالقان توبه کنید و (برای جبران این خطای بزرگ، توبه زبانی کافی نیست بلکه به کیفر گوساله پرستی باید) خودتان را بکشید که تنها این (نوع توبه کردن) در پیشگاه خالقان برای شما بهتر (و مورد قبول است) پس (حال که چنین توبه‌ای کردید) خداوند نیز توبه شما را پذیرفت (و شما را بخشید) زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. ﴿۵۴﴾

تقاضای نادرست بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام (دیدن خداوند با چشم):

(ای قوم بنی اسرائیل به یاد آورید هنگامی را که حضرت موسی علیه السلام شما را دعوت کرد که به خدا ایمان بیاورید اما شما با آن همه معجزات باز هم ایمان نیاورده) و گفتید: ما هرگز به خدا ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خدا را با چشم خود ببینیم پس (به کیفر این توقع نادرست و لجاجت در مقابل حق و هدایت، خداوند) جان شما را به وسیله صاعقه‌ای گرفت و شما (این صحنه تکان‌دهنده را به چشم خود) دیدید (آری چشم شما تاب و توان دیدن یکی از مخلوقات خدا را که «همان صاعقه پر نور بود» ندارد پس چطور تقاضای دیدن خدا را با چشم ظاهر دارید؟!). ﴿۵۵﴾

زنده شدن مجدد پس از مرگ:

سپس شما را پس از مرگتان (به وسیله صاعقه، با دعای حضرت موسی علیه السلام) زنده کردیم تا شاید شکر (زنده شدن مجدد را عملاً) به جای آورید. ﴿۵۶﴾

طغیان و ناسپاسی نسبت به نعمت‌های خداوند:

(ای قوم بنی اسرائیل، شما پس از نجات از دست فرعونیان و عبور از دریا، در صحرای سینا گرفتار گرمای سوزان خورشید شدید) و آنگاه ما بالای سرتان ابر سفید را سایبان قرار دادیم و از مائده‌های آسمانی (خوراک لذیذ) برایتان فرود آوردیم و گفتیم: از نعمت‌ها (و طعامهای) پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید ولی (آنها کفران نعمت کردند و از خوراکی‌های حرام استفاده نموده و در واقع در اثر طغیان و ناسپاسی) به خودشان ظلم می‌کردند و (با این کارها) به ما ستم نکردند. ﴿۵۷﴾

لغات جدید: ۶۴ لغت

ادْخُلُوا: داخل شوید. **الْقَرْيَةَ:** شهر. **فَكُلُوا:** پس بخورید. **شِئْتُمْ:** خواستید. **الْبَاب:** درب. **سُجَّدًا:** سجده کنندگان، خضوع کنندگان. **قُولُوا:** بگویید. **حِطَّةً:** ریزش، فرود آمدن از بلندی (فروریختن گناهان و لغزش‌ها). **نَغْفِرُ:** ببخشیم. **خَطَايَاكُمْ:** گناهان شما، لغزش‌های شما، انحرافات و گناهان عمدی و غیر عمدی شما. **سَنَزِيدُ:** به زودی خواهیم افزود. **الْمُحْسِنِينَ:** نیکوکاران. **فَبَدَّلَ:** پس تبدیل کرد، پس تغییر داد، پس جایگزین کرد. **ظَلَّمُوا:** ستم کردند. **قَوْلًا:** سخنی. **فَأَنزَلْنَا:** پس نازل کردیم. **رِجْزًا:** عذاب، اضطراب، پربشانی، پلیدی. **كَانُوا يَفْسُقُونَ:** نافرمانی می‌کردند. **اسْتَسْقَى:** طلب آب کرد. **فَقُلْنَا:** پس گفتیم. **اضْرِبْ:** بزن. **بِعَصَاكَ:** با عصایت. **الْحَجَر:** سنگ. **فَانفَجَرَتْ:** پس جوشید، پس شکافته شد، پس جاری شد. **مِنْهُ:** از آن. **اِثْنَا عَشْرَةَ:** دوازده. **عَيْنًا:** چشمه. **قَدْ:** قطعاً، گاهی. **عِلْمًا:** شناخت. **أَنَاس:** مردم، جماعت، گروه. **مَشْرَبَهُمْ:** محل آب خوردنشان. **اشْرَبُوا:** بنوشید. **لَا تَغْتَوُوا:** فساد نکنید، به فساد و طغیان نپردازید. **مُفْسِدِينَ:** فساد کنندگان (در حالی که فساد کنندگانید). **لَنْ نَصْبِرَ:** هرگز صبر نمی‌کنیم. **طَعَام:** خوراک. **وَاحِد:** یک (یک نوع). **فَادْعُ (ف + ادع):** پس بخواه، پس بخوان. **يُخْرِجُ:** بیرون می‌آورد. **تُثْبِتُ:** می‌رویانند. **بَقْلَهَا:** سبزیجات آن. **قَتَائِلَهَا:** خیار آن. **فُومَهَا:** سیر یا گندم آن. **عَدَسَهَا:** عدس آن. **بَصَلَهَا:** پیاز آن. **أَسْتَبْدِلُون:** آیا می‌خواهید عوض کنید، آیا می‌خواهید جایگزین کنید. **أَدْنَى:** پست‌تر، پائین‌تر، نزدیک‌تر. **بِالْأَذَى:** به چیزی که. **مَصْرُ:** شهر. **فَإِنْ:** پس مسلماً. **سَأَلْتُمْ:** خواستید. **ضُرِبَتْ:** زده شد، مقرر شد. **الدَّلَّةُ:** خواری. **الْمَسْكَنَةُ:** درماندگی، بیچارگی. **بَاءُ:** برگشتند، سقوط کردند. **بَغْضَب:** به غضب. **بِأَنَّهُمْ:** به سبب آن که همانا آنها. **كَانُوا يَكْفُرُونَ:** کفر می‌ورزیدند، انکار می‌کردند، بی‌اعتنایی می‌نمودند. **بِآيَات:** به آیات، به نشانه‌ها. **يَقْتُلُونَ:** می‌کشند. **النَّبِيِّينَ:** پیامبران. **بَغَيْر:** به غیر از. **عَصَا:** نافرمانی کردند. **كَانُوا يَعْتَدُونَ:** تجاوز می‌نمودند

لغات تکراری

إِذْ ۶ قُلْنَا ۶ هَذِهِ ۶ مِنْهَا ۵ حَيْثُ ۶ رَعَدًا ۶ لَكُمْ ۴
الَّذِينَ ۱ غَيْرَ ۱ الَّذِي ۴ قِيلَ ۳ لَهُمْ ۳ عَلَى ۲ مِنْ ۲
السَّمَاءِ ۴ بِمَا ۲ مُوسَى ۸ لِقَوْمِهِ ۸ كُلُّ ۴ كَلُّوا ۸
رِزْقٍ ۴ فِي ۳ الْأَرْضِ ۳ قُلْتُمْ ۸ يَا ۶ لَنَا ۶ رَبِّكَ ۶
مِمَّا ۲ قَالَ ۶ هُوَ ۵ خَيْرٌ ۸ اهْبِطُوا ۶ مَا ۲ عَلَيْهِمْ ۱
ذَلِكَ ۲ الْحَقُّ ۵

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ
شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا
حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ وَ سَنَزِيدُ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا
غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
﴿٥٩﴾ وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا
اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ
اِثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ
كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا
فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَى
لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ
يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا
وَقَتَائِلِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ
أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي
هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَآسَأَلْتُمْ
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُ
بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ
بِكَايَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ
ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

ورود قوم حضرت موسیٰ (علیه السلام) به سرزمین بیت المقدس (اراضی قدس):

هنگامی که (به قوم موسیٰ (علیه السلام) پس از چهل سال سرگردانی در صحرای سینا، گفتیم: وارد شهر بیت المقدس شوید و از نعمت های فراوان آن هر چه خواستید بخورید و (برای شکرگزاری و عبادت و توبه) از در (مسجد الاقصی) خاضعانه و سجده کنان داخل شوید و (سجده شکر به جای آورید و از گناهانتان استغفار کنید و) بگویید: (خدایا، درخواست ما، آمرزش و) ریزش گناهان (است پس اگر چنین توبه ای کردید، ما نیز) خطاها و گناهان شما را می بخشیم و بر (پاداش) نیکوکاران، می افزایم.

﴿۵۸﴾

تغییر و تحریف سخن خداوند توسط بنی اسرائیل:

افراد ستمگری (از قوم بنی اسرائیل به جای توبه و استغفار و سپاسگزاری از خداوند،) سخن خداوند را که (به عنوان کلمه استغفار «حطه») به آنها گفته شده بود به کلمه ای (مسخره آمیز «حنطه» یعنی گندم) تغییر دادند پس ما نیز برای (مجازات) آن ستمکاران، که همیشه فسق و فساد (و طغیانگری و لجبازی) می کردند، عذاب آسمانی فرو فرستادیم.

﴿۵۹﴾

جوشیدن چشمه آب در صحرای سینا به وسیله عصای موسیٰ (علیه السلام):

هنگامی که (قوم بنی اسرائیل در صحرای سینا در اثر گرمای خورشید و تشنگی، از حضرت موسیٰ (علیه السلام) تقاضای آب نمودند و) موسیٰ (از جانب خداوند) برای قومش آب درخواست نمود، خداوند فرمود: ای موسیٰ، عصای خود را بر آن قطعه سنگ بزن (تا چشمه های آب جاری شود، و موسیٰ (علیه السلام) عصایش را بر آن سنگ زد) پس دوازده چشمه آب از سنگ جوشید (و دوازده قبیله از قوم بنی اسرائیل) هر کدام چشمه آب خود را شناختند (که می بایست بخاطر بهره مندی از آن نعمت، سپاسگزاری و شکرگزاری می کردند اما در پاسخ خداوند که فرمود: از نعمت های الهی) بخورید و بیاشامید و در روی زمین فساد و تبهکاری نکنید (باز هم آنها به فساد و سرکشی و کفران نعمت های الهی پرداختند).

﴿۶۰﴾

درخواست های بیجای بنی اسرائیل و گرفتاری به قهر و غضب خداوند:

(قوم بنی اسرائیل به دنبال نجات از چنگال فرعونیان و برخورداری از نعمت های فراوان باز هم شروع به ناسپاسی نمودند و به بهانه بهره مندی از غذاهای رنگارنگ، از حضرت موسیٰ (علیه السلام) درخواست کردند: ای موسیٰ ما هرگز بر یک نوع غذا «من» و «سلوی» صبر و تحمل نمی کنیم، از خدایت بخواه تا آنچه از زمین می رویاند از (قبیل) سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیاز، برای ما فراهم سازد. (حضرت موسیٰ (علیه السلام) گفت: آیا می خواهید غذای پست تر را با غذای بهتر عوض کنید؟!)

سرنوشت ذلت بار قوم یهود:

(حضرت موسیٰ (علیه السلام) گفت: اگر اینها را می خواهید) وارد شهری بشوید که آنچه خواستید در آنجا برای شما هست اما (قوم بنی اسرائیل دوباره به) نافرمانی و لجابت و تجاوز از دستورات خداوند پرداختند تا جایی که پیامبران الهی را به ناحق می کشتند و آیات الهی را تکذیب می کردند پس خداوند نیز سرنوشت ذلت بار و فقر و بدبختی و بیچارگی را برای همیشه بر آنان مقرر نموده و آنها (برای همیشه) گرفتار خشم و غضب پروردگار هستند.

﴿۶۱﴾

لغات جدید: ۵۶ لغت

هَادُوا: یهودی شدند. **النَّصَارَى:** مسیحیان، پیروان حضرت مسیح علیه السلام. **الصَّابِئِينَ:** جمعی از پیروان حضرت نوح علیه السلام یا حضرت ابراهیم علیه السلام که از دین خود خارج و منحرف شدند و به پرستش ستاره‌ها روی آوردند. **عَمِلَ:** انجام داد. **صَالِحًا:** کار شایسته. **فَلَهُمْ:** پس برای آنها. **أَجْرُهُمْ:** پاداش آنها. **أَخَذْنَا:** گرفتیم. **مِثَاقُكُمْ:** پیمان محکم شما. **رَفَعْنَا:** بلند کردیم. **فَوْقَكُمْ:** بالای (سر) شما. **الطُّور:** کوه طور. **خُذُوا:** بگیرید. **آتَيْنَاكُمْ:** دادیم به شما. **بِقُوَّةٍ:** با قدرت، محکم. **تَوَلَّيْتُمْ:** رو برگردان شدید، پشت کردید. **فَلَوْلَا:** پس اگر نبود، پس چرا نیست. **فَضْل:** برتری، عطیه، احسان، رحمت. **رَحْمَتُهُ:** رحمت او. **لَكُنْتُمْ:** حتماً می‌شدید. **الْخَاسِرِينَ:** زیانکاران. **لَقَدْ:** حتماً. **عَلِمْتُمْ:** دانستید، شناختید. **اعْتَدُوا:** تجاوز کردند. **مِنْكُمْ:** از شما. **السَّبْت:** شنبه. **كُونُوا:** باشید. **قِرْدَةً:** بوزینه‌ها، میمون‌ها. **خَاسِئِينَ:** رانده شدگان، طرد شدگان **فَجَعَلْنَاهَا:** پس قرار دادیم آن را. **نَكَالًا:** کیفر، ترسانیدن، مجازات عبرت آموز. **بَيْن:** میان. **يَدِيهَا:** دو دستش (بینِ يَدَيْهَا: پیش روی آن). **خَلَفَهَا:** پشت سر آن. **مَوْعِظَةً:** پند و اندرز، ارشاد و هدایت کردن. **يَأْمُرُكُمْ:** امر می‌کند به شما. **أَنْ تَذْبَحُوا:** این که سر ببرید، اینکه ذبح کنید. **بَقَرَةً:** گاو. **أَتَّخَذْنَا:** آیا می‌گیری ما را. **هُزُؤًا:** مسخره کردن. **أَعُوذُ:** پناه می‌برم. **أَنْ أَكُونَ:** اینکه باشم. **الْجَاهِلِينَ:** نادان‌ها. **أُدْعُ:** بخواه، فراخوان. **يُبَيِّنُ:** بیان کند، آشکار کند. **هِيَ:** آن، او. **فَارِضُ:** پیر. **بَكْرُ:** جوان. **عَوَان:** متوسط، میان سال (میان پیری و جوانی). **فَأَفْعَلُوا:** پس انجام بدهید. **تُؤْمَرُونَ:** دستور داده می‌شوید، امر می‌شوید. **لَوْنُهَا:** رنگ آن. **صَفْرَاءُ:** زرد. **فَاقِعُ:** تند، پررنگ. **تَسْرُ:** شاد می‌کند، مسرور می‌کند. **النَّظِيرِينَ:** بینندگان، منتظران

لغات تکراری

۱. **إِنَّ** ۳ **الَّذِينَ** ۱ **آمَنُوا** ۳ **مَنْ** ۳ **آمَنَ** ۳ **بِاللَّهِ** ۳ **الْيَوْمَ** ۱
 ۲. **الْآخِرِ** ۳ **عِنْدَ** ۸ **رَبِّهِمْ** ۲ **لَا** ۱ **خَوْفٌ** ۷ **عَلَيْهِمْ** ۱ **هُمْ** ۲
 ۳. **يَخْزَنُونَ** ۷ **إِذْ** ۶ **مَا** ۲ **أَذْكُرُوا** ۷ **فِيهِ** ۲ **لَعَلَّكُمْ** ۴ **تَتَّقُونَ**
 ۴. **ثُمَّ** ۵ **مِنْ** ۲ **بَعْدَ** ۵ **ذَلِكَ** ۲ **عَلَيْكُمْ** ۷ **فِي** ۳
 ۵. **فَقُلْنَا** ۹ **لَهُمْ** ۳ **لَمَّا** ۷ **لِلْمُتَّقِينَ** ۲ **قَالَ** ۶ **مُوسَى** ۸ **لِقَوْمِهِ**
 ۸. **قَالُوا** ۳ **لَنَا** ۶ **رَبُّكَ** ۶ **إِنَّهُ** ۶ **يَقُولُ** ۳ **إِنَّهَا** ۷

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى
 وَالصَّبِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ
 أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا
 مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ
 تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ
 فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾
 فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلَفَهَا
 وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى
 لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً
 قَالُوا أَنْتَخِذْنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ
 أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ
 يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ
 وَلَا يَكْرُ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَأَفْعَلُوا
 مَا تَأْمُرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ
 لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ
 صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُ النَّظِيرِينَ ﴿٦٩﴾

امت‌هایی که اهل بهشت هستند:

در حقیقت کسانی که (به دین اسلام) ایمان آورده‌اند و کسانی که (در زمان حضرت موسی علیه السلام) یهودی بودند و نیز کسانی که (در عصر حضرت عیسی علیه السلام) مسیحی بودند و همچنین پیروان نوح (یا حضرت ابراهیم علیه السلام در آن زمان) اگر (واقعاً و قلباً) به خداوند و روز قیامت ایمان داشتند و کارهای شایسته انجام داده‌اند (در واقع به وظیفه و تکلیف خودشان عمل کرده‌اند و حتماً) برای آنها پاداش الهی (در جهان آخرت) خواهد بود و (در روز قیامت) هیچ‌گونه ترس و اندوهی (از عملکردشان) نخواهند داشت (اما کسانی که در ظاهر به اسلام ایمان آورده و قلباً و عملاً مسلمان نباشند یا کسانی که بعد از ظهور پیامبر اسلام، دین یهود و نصاری را انتخاب نمایند در واقع به خداوند ایمان ندارند بلکه خدا و دستوراتش را انکار می‌کنند زیرا خداوند به همه یهودیان و مسیحیان و سایر اهل کتاب دستور داده است که بعد از آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن، تابع دین اسلام باشند و فقط دین اسلام را انتخاب و به دستوراتش عمل کنند و «این حقیقت در کتابهای آسمانی به آنها ابلاغ شده است»).

(۶۲)

قاطعیت قهرآمیز خداوند در اجرای قانون الهی:

(قوم بنی اسرائیل همیشه در مقابل دستورات خداوند و دعوت‌های پیامبرشان سرپیچی و مخالفت می‌کردند حتی زمانی که حضرت موسی علیه السلام از کوه طور با کتاب تورات به سوی قومش بازگشت و به قوم خود اعلام کرد که به محتوای کتاب تورات عمل کنند، قوم بنی اسرائیل به بهانه این که دستورات و برنامه‌های کتاب تورات مشکل و دارای تکالیف سنگینی است، بنای مخالفت و نافرمانی گذاشتند و خداوند نیز برای شکستن روح لجاجت و اندیشه باطل آنان، و برای اجرای قانون الهی، به فرشتگان دستور داد تا قطعه‌ای از کوه طور را بالای سر آنها قرار دهند تا تسلیم فرمان خدا شوند و پیمان الهی را پذیرفته و با جدیت به محتوای کتاب تورات عمل کنند تا اینکه اهل تقوا باشند (و از مخالفت با دستورات الهی بترسند).

(۶۳)

(سپس قوم سرکش و لجوج بنی اسرائیل دوباره عهد و پیمان خود را شکستند و) از پیمانی که پذیرفته بودند رویگردان شدند (و دوباره به دعوت‌های پیامبرشان نافرمانی نمودند) اما خداوند از کرم و رحمت بی‌کران خود بر آنها لطف نمود (و مهلتی داد تا توبه کنند که) اگر خداوند چنین لطف و رحمتی نمی‌کرد حتماً از زیانکاران می‌شدند.

(۶۴)

مجازات تاریخی عبرت‌انگیز قوم بنی اسرائیل بخاطر تجاوز از قانون الهی:

حتماً شما (بنی اسرائیل) کسانی را که از میان شما در روز شنبه (از قانون ممنوعیت ماهیگیری) تجاوز و نافرمانی کردند شناختید (و دیدید که ما آنها را مسخ کردیم) و گفتیم: «به صورت بوزینه‌های مطرود و خوار باشید».

(۶۵)

(پس آنها را با اراده الهی به شکل میمون‌هایی خوار و ذلیل و رانده شده از رحمت الهی) قرار دادیم تا آن مجازات، درس عبرتی باشد برای مردم آن زمان و نسل‌های آینده و پند و اندرز برای پرهیزکاران.

(۶۶)

ماجرای سر بریدن گاو توسط قوم بنی اسرائیل به دستور خداوند:

(ماجرای «ذبح گاو» این بود که در میان قوم بنی اسرائیل یک نفر به طرز مرموزی کشته می‌شود و قاتل آن معلوم نمی‌شود و نزاع و درگیری در بین قبیله‌های بنی اسرائیل شروع می‌شود، اما به نتیجه‌ای نمی‌رسند بالاخره حل این مشکل را از حضرت موسی علیه السلام می‌خواهند، آن حضرت با استمداد از خداوند، گفت: خداوند به شما دستور می‌دهد که (برای کشف قاتل) گاوی را ذبح کنید (و قطعه‌ای از گوشت گاو را به مقتول «شخص کشته‌شده» بزنید تا زنده شود و قاتل خود را معرفی نماید، قوم بنی اسرائیل که معمولاً معجزه‌های حضرت موسی علیه السلام را انکار می‌کردند، گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟! موسی گفت: پناه می‌برم به خدا از این که از جاهلان باشم (زیرا مسخره کردن دیگران، کار افراد جاهل است).

(۶۷)

(بنی اسرائیل که نمی‌خواستند چنین دستوری را اجرا کنند شروع به بهانه‌جویی کرده و) گفتند: ای موسی از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن کند که مشخصات آن گاو چیست؟ موسی در جواب گفت: (خداوند می‌فرماید: آن گاوی است که نه پیر و از کار افتاده است و نه جوان، بلکه میان این دو حالت (یعنی میانسال) است، پس (حال که مشخصات گاو روشن شد) دستور خداوند را (درباره ذبح گاو) اجرا کنید.

(۶۸)

(آن قوم لجوج دوباره بهانه‌جویی) کرده و گفتند: از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن کند که رنگ آن گاو چگونه است؟ موسی علیه السلام جواب داد: خداوند می‌گوید: که آن گاوی است زرد پر رنگ (زرد خالص)، که بینندگان را شاد و مسرور می‌سازد.

(۶۹)

لغات جدید: ۵۷ لغت

الْبَقَرُ: گاو. **تَشَابَهَ:** مشتبه شد، شبیه به همدیگر شد. **عَلَيْنَا:** بر ما. **لَمْ يَهْتَدُوا:** حتماً هدایت یافتگان. **ذُلُّوا:** رام و تسلیم، آرام و مهار شده. **ثَبِيرٌ:** شخم می‌زند و شیار می‌کند، زیر و رو می‌کند. **لَا تَسْقَى:** آبیاری نمی‌کند. **الْحَرْثُ:** زراعت، کشتزار، مزرعه. **مُسَلَّمَةٌ:** بدون عیب و نقص، سالم، تسلیم شده، تحویل داده شده. **شَيْءٌ:** علامت، لکه، رنگ قسمتی از بدن که با رنگ سایر قسمت‌ها فرق دارد؛ مانند سفیدی در پیشانی گاو. **الْأَن:** اکنون. **جُنْتُ:** آمدی (جنت بد: آوردی). **بِالْحَقِّ:** حق را. **فَذَبَّحُوهَا:** پس سر بریدند آن را. **ما كَادُوا:** نزدیک نبودند. **يَفْعَلُونَ:** انجام می‌دهند (ما كَادُوا يَفْعَلُونَ: نزدیک بود انجام ندهند). **قَتَلْتُمْ:** کشتید. **فَادَارَأْتُمْ:** پس با یکدیگر اختلاف و کشمکش کردید. **مُخْرِجٌ:** آشکار کننده، خارج کننده. **اضْرِبُوهُ:** بزنید به او. **بِبَعْضِهَا:** بعضی از آن را. **كَذَلِكَ:** اینگونه. **يُخْبِي:** زنده می‌کند. **الْمَوْتَى:** مردگان. **يُرِيكُمْ:** نشان می‌دهد به شما. **آيَاتِهِ:** نشانه‌هایش. **تَعْقِلُونَ:** می‌اندیشید. **قَسَتْ:** سخت شد. **قُلُوبُكُمْ:** قلب‌های شما. **فَهِيَ (فَ + هِيَ):** پس آن. **كَالْحِجَارَةِ (كَ + الْحِجَارَةِ):** مانند سنگ‌ها. **أَشَدُّ:** شدیدتر. **قَسْوَةً:** سخت. **لَمَّا (لَمَّا + مَا):** همانا آن چه. **يَنْفَجَرُ:** جاری می‌شود، می‌جوشد. **يَسْقُقُ:** شکاف می‌خورد، شکافته می‌شود. **فَيَخْرُجُ:** پس خارج می‌شود. **يَهْبُطُ:** فرومی‌ریزد، فرود می‌آید. **خَشْيَةً:** ترس. **بِغَافِلٍ (بِ + غَافِلٍ):** غافل. **عَمَّا (عَمَّا + مَا):** از آنچه. **تَعْمَلُونَ:** انجام می‌دهید. **أَفْتَطَمْعُونَ:** پس آیا طمع دارید. **أَنْ يُؤْمِنُوا:** که ایمان بیاورند. **فَرِيقٌ:** گروه. **منهم:** از آنها. **يَسْمَعُونَ:** می‌شنوند. **كَلَامٌ:** سخن. **يُحَرِّفُونَهُ:** تحریف می‌کنند آن را. **عَقْلُوهُ:** فهمیدند آن را. **يَعْلَمُونَ:** می‌دانند. **خَلَا:** خلوت کرد، گذشت. **بَعْضُهُمْ:** بعضی از آنها. **بَعْضٌ:** بعضی. **أَتَحَدِّثُونَهُمْ:** آیا بازگو می‌کنید به آنها، آیا با آنها سخن می‌گویید. **فَتَحَّ:** گشود. **لِيَحَاجُّوكُمْ:** تا اینکه استدلال کنند و به بحث ادامه بدهند با شما، تا حجت و دلیل آورند بر شما

لغات تکراری

قَالُوا ۳ ادْعُ ۱۰ لَنَا ۶ رَبِّكَ ۶ يُبَيِّنُ ۱۰ مَا ۲ هِيَ ۱۰
 إِنَّ ۳ إِنَّا ۳ إِنَّ ۴ شَاءَ ۴ قَالَ ۶ إِنَّهُ ۶ يَقُولُ ۳
 إِنَّهَا ۷ بَقَرَةٌ ۱۰ لَّا ۱۱ الْأَرْضُ ۳ فِيهَا ۵ إِذْ ۶ نَفْسًا ۷
 كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۶ فَقُلْنَا ۹ لَعَلَّكُمْ ۴ ثُمَّ ۵ بَعْدَ ۵ ذَلِكَ ۲
 أَوْ ۴ مِنْ ۲ الْحِجَارَةِ ۴ مِنْهُ ۹ الْإِنِّهَارُ ۵ مِنْهَا ۵ الْمَاءُ
 ۴ لَكُمْ ۴ قَدْ ۹ هُمْ ۲ إِذَا ۳ لَقُوا ۳ الَّذِينَ ۱۱ آمَنُوا ۳
 آمَنًا ۳ إِلَى ۳ بِمَا ۲ عَلَيْكُمْ ۷ بِهِ ۴ عِنْدَ ۸ رَبِّكُمْ ۴
 أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۷

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ
 عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ
 إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ
 وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا
 آلَتَنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ
 ﴿٧١﴾ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ
 مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ
 بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ
 ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ
 مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً
 وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ
 وَإِنَّ مِنْهَا لَمَاءٌ يَشَّقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ
 مِنْهَا لَمَاءٌ يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ
 عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾ أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ
 وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ
 اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ
 وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ
 قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
 لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

بها نه جویی بنی اسرائیل برای ذبح گاو:

(قوم بنی اسرائیل به بهانه جویی خود ادامه داده و به حضرت موسی) گفتند: از خدایت بی‌رس برای ما توضیح دهد که آن گاو (دقیقاً) چگونه گاوی باید باشد براستی که (هنوز مشخصات) گاو برای ما مبهم است (اگر خداوند توضیح بیشتر و کامل‌تری برای ما بیان کند) ان شاء الله می‌توانیم گاو مورد نظر خداوند را پیدا کرده و ذبح کنیم. ﴿۷۰﴾

آخرین مشخصات گاو:

(حضرت موسی علیه السلام) در پاسخ به درخواست آنان) گفت: همانا خداوند می‌گوید: آن گاوی است که برای شخم‌زدن رام نشده و زراعت (و کشتزار) را آبکشی نکرده و هیچ عیب و نقصی ندارد و هیچ‌گونه خال و علامت و یا رنگ دیگری ندارد (بعد از ذکر همه مشخصات، قوم بنی اسرائیل هیچ راه فراری برای ذبح نکردن ندیدند و بناچار) گفتند: الآن حق مطلب را گفتی پس آن گاو را سر بریدند ولی نزدیک بود این کار را انجام ندهند. ﴿۷۱﴾

شناسایی قاتل از طریق معجزه در میان قوم بنی اسرائیل:

(شخصی، پسر عمویش را به قتل رساند و دیگران را به قاتل بودن متهم نمود، و لذا خداوند می‌فرماید:) هنگامی که شخصی را کشتید و درباره (قاتل) او به نزاع پرداختید (و یکدیگر را به قتل وی متهم نمودید و قاتل را پنهان کردید) ولی خداوند (از طریق معجزه) آنچه را پنهان و کتمان می‌کردید آشکار ساخت (و قاتل را معرفی نمود و نیز طریقه معرفی قاتل را در آیه بعدی چنین بیان می‌فرماید): ﴿۷۲﴾

پس گفتیم: قسمتی از اعضای آن (گاو ذبح شده) را به او (یعنی شخص کشته شده) بزنید (تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند و آنها نیز چنین کردند، مقتول زنده شد و گفت: ای موسی، مرا پسر عمویم کشته است) آری این‌گونه خداوند مردگان را (با قدرت خود) زنده می‌کند و (نمونه‌هایی از معاد و قدرت الهی را) به شما نشان می‌دهد تا (در قدرت خدا) بیندیشید (و بدانید که خداوند قادر به زنده کردن مردگان می‌باشد). ﴿۷۳﴾

لجاعت و سنگدلی قوم بنی اسرائیل:

(قوم بنی اسرائیل پس از دیدن آن همه معجزات الهی، به جای این‌که قلبهایشان آماده پذیرش معارف و آیات الهی شود،) لجاعت و سنگدلی آنها بیشتر شد، حتی سختی دل‌هایشان از سنگ هم بیشتر شد (یعنی سنگ از دل آنها اثرپذیرتر است زیرا) بعضی از سنگها هستند که چشمه‌ها و نهرهای آب از آن می‌جوشد یا بعضی از سنگها می‌شکافند و آب از آنها جاری می‌شود و حتی بعضی از سنگها (و سنگریزه‌ها) از ترس عظمت خداوند، (از بالای کوه‌ها) فرو می‌ریزند (به هر حال سنگها فایده‌هایی دارند و در اطاعت خداوند هستند، اما دل‌های آنها بر اثر لجاعت و سرکشی به قدری قساوت دارد که تسلیم معجزات الهی نمی‌شود و مسلماً بدانید که) خداوند از چنین اعمال (و لجاجتها و سرکشیها) غافل نیست (و همه آن نافرمانیها و سرکشیها را با مجازاتهای شدید پاسخ خواهد داد). ﴿۷۴﴾

هوشیاری در برابر خیانت‌های علمای بنی اسرائیل:

(مسلمانان صدر اسلام انتظار داشتند که یهودیان، حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تأیید کنند که در واقع چنین انتظار نادرست، در مقابل لجاعت‌های بنی اسرائیل، یک نوع خوش‌باوری و سادگی است. خداوند مسلمانان را آگاه می‌کند و می‌فرماید: ای مسلمانان) آیا انتظار دارید که یهودیها به دین شما ایمان بیاورند (و پیامبر شما را تصدیق کنند) در حالی که (شما می‌دانید) بعضی از (علمای خائن) آنها، سخنان خدا و آیات الهی را می‌شنیدند و می‌دانستند که سخن خدا حق است (و باید تسلیم شوند، اما به خاطر حفظ منافع دنیوی، معنا و مفاهیم آیات تورات را در خصوص نشانه‌های نبوت پیامبر اسلام و سایر احکام الهی) تحریف می‌کردند (و عمداً) این کار را انجام می‌دادند (بنابراین مسلمانان نباید امیدوار باشند که یهودیان به اسلام و قرآن ایمان آورند). ﴿۷۵﴾

اعتراف به حقیقت و حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:

(بعضی از یهودیهای پاکدل) وقتی که با مسلمانان دیدار می‌کردند، (به این حقیقت که حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات آمده است اعتراف می‌کردند و) می‌گفتند: ما هم مثل شما (به رسالت پیامبر اسلام) ایمان داریم (زیرا به حقانیت او آگاهی داریم، اما) وقتی که (بزرگان و علمای یهود) از افشاگری و بازگویی حقایق تورات به مسلمانان مطلع می‌شدند، (با اعتراض و سرزنش) به آنها می‌گفتند: چرا (اسرار و اخبار تورات را به مسلمانان) بازگو می‌کنید تا (در روز قیامت علیه شما درباره نبوت پیامبر اسلام) استدلال کنند؟! آیا فکر نمی‌کنید (از این اخبار و اسراری که در مورد پیامبر اسلام در اختیار مسلمانان قرار می‌دهید علیه شما دلیل می‌آورند). ﴿۷۶﴾

لغات جدید: ۴۲ لغت

أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ و آیا نمی دانند . **يَعْلَمُ** می داند . **يُسِرُّونَ** پنهان می کنند . **يُغْلِبُونَ** غلبه می کنند ، آشکار می کنند . **أُمِّيُونَ** بی سوادان ، کسانی که درس نخوانده اند و خواندن و نوشتن بلد نیستند . **أَمَانِي** آرزوها و پندارهای باطل و بیهوده ، آرزوهای بلندپروازانه . **إِنْ** نیست ، نه ، هرگز ، قطعاً ، اگر . **فَوَيْلٌ** (ف + ویل) : پس وای . **لِلَّذِينَ** بر کسانی که ، برای کسانی که ، به کسانی که . **يَكْتُبُونَ** می نویسند . **بِأَيْدِيهِمْ** با دستهایشان . **يَقُولُونَ** می گویند . **لِيَشْتَرُوا** تا بفروشند آن را . **كَتَبْتَ** نوشت . **أَيْدِيهِمْ** دستهایشان . **وَيْلٌ** وای ، عذاب ، چاهی در جهنم که بسیار عمیق است . **يَكْسِبُونَ** به دست می آورند . **لَنْ تَمَسَّنَا** هرگز به ما نمی رسد . **أَيَّامًا** روزها . **مَعْدُودَةً** شمرده شده ، کم . **قُلْ** بگو . **أَتَّخَذْتُمْ** آیا گرفته اید . **فَلَنْ يُخْلِفَ** پس هرگز تخلف نخواهد کرد ، پس هرگز خلف وعده نمی کند . **عَهْدَهُ** پیمانش . **تَقُولُونَ** می گویند . **بَلَىٰ** بله ، آری . **كَسَبَ** کسب کرد . **سَيِّئَةً** گناه ، بدی . **أَخَاطَتْ** پوشاند . **خَطِيئَتُهُ** گناهش . **فَأُولَٰئِكَ** پس آنها . **مِيثَاقٌ** پیمان محکم . **لَا تَعْبُدُونَ** شما نمی پرستید . **بِالْوَالِدَيْنِ** به پدر و مادر . **إِحْسَانًا** نیکی . **ذِي** صاحب . **الْقُرْبَىٰ** نزدیکتر (**ذِي الْقُرْبَىٰ** : صاحب قرابت ، نزدیکان) . **الْيَتَامَىٰ** یتیمان . **الْمَسَاكِينَ** تهیدستان ، بینوایان . **لِلنَّاسِ** با مردم ، به مردم ، برای مردم . **حُسْنًا** نیکی . **مُعْرَضُونَ** رویگردانها

لغات تکراری

۵ مَا ۲ مِنْهُمْ ۱۱ الْكِتَابَ ۲ إِلَّا ۳ هُمْ ۲ يَظُنُّونَ ۷
 ثُمَّ ۵ هَذَا ۵ مِنْ ۲ عِنْدَ ۸ بِهِ ۴ ثَمَّ ۷ قَلِيلًا ۷ لَهُمْ
 ۳ مِمَّا ۲ قَالُوا ۳ النَّارُ ۴ عَهْدًا ۵ أَمْ ۳ عَلَى ۲
 لَا تَعْلَمُونَ ۶ مَنْ ۳ اصحاب ۷ فِيهَا ۵ خَالِدُونَ ۵ الَّذِينَ
 ۱ آمَنُوا ۳ عَمِلُوا ۵ الصَّالِحَاتِ ۵ أُولَٰئِكَ ۲ الْجَنَّةِ ۶
 إِذْ ۶ أَخَذْنَا ۱۰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ ۷ قُولُوا ۹ أَقِيمُوا ۷ الصَّلَاةَ
 ۲ آتُوا ۷ الزَّكَاةَ ۷ تَوَلَّيْتُمْ ۱۰ مِنْكُمْ ۱۰ أَنْتُمْ ۴

أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۖ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحْطَتْ بِهِ ۖ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

آگاهی خداوند از همه اسرار:

آیا (علمای یهود) نمی‌دانند که خداوند از (اخباری که آنها) پنهان می‌دارند و آن (خیانتها و تحریفاتی) که آشکارا انجام می‌دهند، آگاه است؟ (پس چرا آیات مربوط به پیامبر اسلام ﷺ را از تورات تحریف کرده و حقایق را مخفی می‌نمودند؟).

﴿۷۷﴾

آگاه‌نبودن عوام یهود از تورات:

بعضی از مردم یهود (آنچنان) بی‌سواد بودند که از (حقایق و مفاهیم) تورات آگاه نبودند و آگاهی آنان از تورات بر مبنای یک سری خیالات، خرافات و آرزوهای باطل بود (مثلاً خیال می‌کردند فرزندان خدا هستند و در آتش جهنم نمی‌سوزند و با همین خیالات واهی مطالب دروغی را به جای حقایق تورات پذیرفته بودند) و گمان می‌کردند محتوای تورات همین است (ولی آنها گرفتار اوهام خود بودند و از طریق حدس و گمان چنین اعتقادی را ساخته بودند).

﴿۷۸﴾

مجازات شدید دانشمندان خائن:

(گروهی از علمای خائن یهود برای حفظ منافع و موقعیت اجتماعی خود، آیاتی از تورات را که نشانه‌های آمدن پیامبر اسلام ﷺ در آن ذکر شده بود، تغییر داده و تحریف می‌کردند، خداوند نیز با شدیدترین مجازات، آنان را تهدید می‌کند و می‌فرماید:) وای بر آنها که مطالب (تحریف شده) را با دست خود می‌نویسند سپس می‌گویند: این از جانب خداست تا آن را به بهای کمی بفروشند (و هدفشان این بود که منافع دنیوی به دست آورند و از طرفی می‌خواستند مردم عوام یهود را با این تحریفات بفریبند و افکار و اعتقاد مردم را از حقایق کتاب آسمانی دور سازند، در واقع عالمان خائن یهود با این تحریفات، دین‌سازی را بدعت‌گذاری کردند و به اعتقادات مردم خیانت کردند) پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه (بوسیله این تحریفات) به دست آورند.

﴿۷۹﴾

برتری طلبی قوم یهود:

(خیالبافی‌ها و انحرافات اعتقادی یهود، به حدی بود که ادعا می‌کردند: هرگز آتش جهنم جز چند روزی به ما نخواهد رسید (و این ادعای پوچ را چنان باور کرده بودند که گویی از خود خداوند قول گرفته‌اند، اما خداوند با توبیخ و سرزنش این اعتقاد باطل می‌فرماید:) بگو آیا از خدا پیمانی گرفته‌اید که (اگر قولی گرفته‌اید پس) خداوند به قولش حتماً عمل می‌کند، یا مطلبی را (که اصلاً واقعیت ندارد و شما) نمی‌دانید، به خداوند نسبت می‌دهید؟

﴿۸۰﴾

عاقبت گناه و گناهکاران:

آری (واقعیت این است که) هرکسی کار بد و گناهی انجام دهد (و بر اثر گناه، قلبش آلوده و تاریک گردد) و (آثار زیانبار) گناه تمام وجود او را فرا گیرد، (ایمانش را از دست می‌دهد و موفق به توبه و هدایت نخواهد شد و عاقبت) اهل آتش می‌شود و برای همیشه در جهنم خواهد ماند (پس بنابراین هیچ‌کس با برتری طلبی و آرزوهای باطل از آتش جهنم نجات نمی‌یابد و تنها راه نجات «ترک گناه و اطاعت از فرمانهای الهی» است).

﴿۸۱﴾

تنها راه ورود به بهشت:

(خداوند برای هیچ‌کس و هیچ ملتی وعده بهشت و نجات از آتش جهنم را نداده است مگر) کسانی که به (پیامبر و دستورات) خداوند ایمان آورده (و عملاً اوامر الهی را پذیرفته باشند) و (با تمام توان) کارهای شایسته (و تکالیف دینی خود را) انجام داده باشند (حتماً چنین اشخاصی) اهل بهشتند و برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿۸۲﴾

پیمانهای الهی و پیمان‌شکنان:

(خداوند در این آیه درباره پیمانهایی که از بنی‌اسرائیل گرفته، چنین بیان می‌فرماید:) هنگامی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم (و از آنها خواستیم که) هرگز جز خدای یگانه را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و درماندگان نیکی کنید و با مردم با زبان خوش سخن بگویید و نماز را بپا دارید (تا جامعه از منکرات و کارهای ناشایست حفظ شود و همچنین برای برقراری تعادل اقتصادی و کمک به محرومان و رفع مشکلات اقتصادی جامعه) زکات بپردازید اما همه شما (در مقابل این فرمانهای الهی) «بجز تعداد کمی» روی گردانیده و سرپیچی کردید زیرا شما (انسان‌های لجوج و از حقیقت) روی گردانید.

﴿۸۳﴾

لغات جدید: ۵۰ لغت

لَا تَسْفِكُونَ: نمی ریزید. دِمَاءُكُمْ: خون هایتان. لَا تُخْرِجُونَ: اخراج نمی کنید. دِيَارِكُمْ: خانه هایتان. أَقْرَرْتُمْ: اقرار کردید. تَشْهَدُونَ: گواهی می دهید. تَقْتُلُونَ: می کشید. تُخْرِجُونَ: اخراج می کنید. دِيَارِهِمْ: سرزمین هایشان، خانه هایشان. تَظَاهَرُونَ: به یکدیگر کمک می کنید. بِالْإِثْمِ: با گناه. الْعُدْوَانِ: ستم و تجاوز. يَأْتُوكُمْ: می آیند به سوی شما. أَسَارَى: اسیران. تُفَادُوهُمْ: فدیة و عوض می دهید برای آنها. مُحَرَّمٌ: حرام، محترم. إِخْرَاجُهُمْ: اخراج کردن آنها. أَفْتَوْمُنُونَ: پس آیا ایمان می آورید. بِبَعْضٍ: به بعضی. جَزَاءً: کیفر. يَفْعَلُ: انجام می دهد. خِزْيٌ: خواری و ذلت، ننگ و رسوایی. الْحَيَاةِ: زندگی. الدُّنْيَا: دنیا. الْقِيَامَةِ: روز قیامت. يُرَدُّونَ: بازگردانده می شوند. فَلَا يُخَفَّفُ: پس تخفیف داده نمی شود. عَنْهُمْ: از آنها. قَفَيْنَا: پی در پی فرستادیم، پشت سرهم فرستادیم. بِالرُّسُلِ: پیامبران را، به پیامبران. عِيسَى: حضرت عیسی علیه السلام. ابْنِ: پسر. مَرِيَمَ: حضرت مریم. الْبَيِّنَاتِ: دلیل های روشن. أَيْدِيَهُ: تأیید کردیم او را، تقویت کردیم او را. بِرُوحٍ: به وسیله روح. الْقُدُسِ: پاکی، پاک (روح القدس: به وسیله حضرت جبرئیل علیه السلام). أَفْكَلَمَا: پس آیا هر زمان. جَاءَكُمْ: آمد برای شما. رَسُولٌ: پیامبر. لَا تَهْوَى: نمی خواهد، تمایل ندارد. اسْتَكْبَرْتُمْ: تکبر کردید، خود را برتر شمردید. فَفَرِيقًا: پس گروهی. كَذَبْتُمْ: تکذیب کردید. قُلُوبُنَا: قلب هایمان غُلْفٌ: پوشیده شده، غلاف شده. بَلْ: بلکه. لَعْنَهُمْ: لعنت کرد آنها را. بِكُفْرِهِمْ: به سبب کفرشان. فَقَلِيلًا: پس اندکی

لغات تکراری

۱۰ أَخَذْنَا ۱۰ مِثَاقَكُمْ ۱۰ أَنْفُسَكُمْ ۷ مِنْ ۲ ثُمَّ ۵
 ۴ أَنْتُمْ ۴ هَؤُلَاءِ ۶ فَرِيقًا ۱۱ مِنْكُمْ ۱۰ عَلَيْهِمْ ۱ إِنْ ۴
 ۵ هُوَ ۵ عَلَيْكُمْ ۷ الْكِتَابَ ۲ تَكْفُرُونَ ۵ فَمَا ۵ مَنْ ۳
 ذَلِكَ ۲ إِلَّا ۳ فِي ۳ يَوْمَ ۱ إِلَى ۳ أَشَدَّ ۱۱ الْعَذَابِ ۳
 مَا ۲ بِغَافِلٍ ۱۱ عَمَّا ۱۱ تَعْمَلُونَ ۱۱ أُولَئِكَ ۲ الَّذِينَ ۱
 اشْتَرَوْا ۳ بِالْآخِرَةِ ۲ هُمْ ۲ لَا يُنصَرُونَ ۷ لَقَدْ ۱۰
 آتَيْنَا ۸ مُوسَى ۸ بَعْدَهُ ۸ بِمَا ۲ قَالُوا ۳ يُؤْمِنُونَ ۲

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ
 وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ
 أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ
 هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا
 مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ
 وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَرَى تَفْدُوهُمْ
 وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ
 بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ
 فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ
 إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
 ﴿٨٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
 بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ
 يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
 وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا
 عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
 أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى
 أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَبْتُمْ وَ
 فَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ
 بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

پیمانهای که خداوند از بنی اسرائیل گرفته است:

(خداوند خطاب به بنی اسرائیل می فرماید:) به یاد آورید هنگامی که از شما پیمان محکم گرفتیم که خون همدیگر را نریزید و یکدیگر را از خانه ها و سرزمینتان (به زور) بیرون نکنید و آواره نسازید و سپس (برای این که بعداً از قولها و تعهدات خود سرپیچی نکنید)، از شما اقرار (و امضا) گرفتیم و (شما نسل حاضر هم) شاهد هستید (که پیشینیان شما برای همیشه از طرف خود و نسل های بعد، چنین پیمان محکمی را اقرار و امضاء کرده اند بنابراین شما نسل های حاضر نیز باید به آن پایبند باشید).

(۸۴)

نقض تعهدات:

(ولی شما به پیمانهای خود عمل نکردید) و شما همانهایی هستید که (در عصر پیامبر اسلام ﷺ، علیرغم تعهدات قبلی) بعضی از (برادران و خواهران) خودتان را از خانه هایشان بیرون کردید و یا کشتید و شما (متجاوزان) در این گناه (و کشتار بزرگ و برهم زدن امنیت جامعه) همدیگر را کمک کردید (و با یکدیگر همدست بودید).

تبعیض در اجرای دستورات و احکام الهی:

(و کسانی که موجب آوارگی آنها شده اید) اگر به اسارت (دشمنان) درآیند، شما با دادن فدیة آنها را آزاد می کنید (یا هر کدام از آنها با شما درگیر شوند و به اسارت شما درآیند، فدیة می گیرید و آزاد می کنید) در حالی که (در دین شما اصلاً) اخراج آنها از سرزمینشان حرام است، پس چرا شما در آواره کردن و بیرون راندن آنها از خانه هایشان به قانون الهی عمل نمی کنید، اما هر کدام از آنها به اسارت شما درآیند با فدیة گرفتن آزاد می کنید و این عمل را به دین نسبت می دهید، چرا در عمل به احکام و دستورات دین تبعیض قائل می شوید.

عاقبت و نتیجه در ناک تبعیض در اجرای دستورات و اوامر الهی:

پس مجازات کسی از شما (بنی اسرائیل یا هر ملّتی که در اجرای احکام و آیات الهی) اینچنین (با تبعیض و خودمحوری و سلیقه ای و مطابق با میل خود) عمل کند (نتیجه ای) جز رسوایی و خواری و ذلّت (به دست خداوند) در این دنیا ندارد و در روز قیامت به شدیدترین عذاب گرفتار می شود.

(بدانید که) خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (و در روز قیامت شما را در دادگاه عدل الهی محاکمه و مجازات خواهد نمود)

(۸۵)

برخورد قهرآمیز خداوند با کسانی که در اجرای دستورات الهی تبعیض قائل می شوند:

(معمولاً کسانی که در اجرای دستورات و آیات الهی تبعیض و خودمحوری پیشه می کنند و با میل خود عمل می کنند که دنیاپرست هستند و همه افکار و عقایدشان دنیایی می باشد و چنین) کسانی زندگی این دنیا را به بهای آخرت خریدند (و بین دنیا و آخرت، دنیا را انتخاب کردند) پس (خداوند نیز با چنین افرادی برخورد قهرآمیزی در آخرت خواهد نمود و) هرگز در عذابشان تخفیف داده نمی شود و (از جانب خداوند) هیچ گونه یاری و کمکی به آنها نمی رسد.

(۸۶)

مأموریت پیامبران الهی و کتاب آسمانی:

(خداوند برای هدایت بنی اسرائیل می فرماید:) مسلماً به موسی کتاب آسمانی دادیم (تا اینکه شما را هدایت کند و همچنین برای هدایت نسل های بعدی شما) پیامبران را پشت سر هم فرستادیم (از جمله) به عیسی علیه السلام کتاب آسمانی و معجزات بسیار دادیم و او را (در انجام مأموریت الهی) به وسیله حضرت جبرئیل، یاری و تأیید کردیم.

علت گردنکشی بنی اسرائیل:

پس چرا شما هر زمان که (دیدید هر کدام از) پیامبران، قانونی و دستوری را از جانب خداوند آورده که با میل شما مطابق نیست (و دلتان نمی خواهد اجرا شود، گفته های) آن پیامبران را تکذیب نموده و در برابر آنها تکبر کردید (و گفتید: این دستورات از جانب خدا نیست و حتی) بعضی از آن پیامبران را به قتل رساندید (علّت این برخورد ناجوانمردانه و گردنکشی ها و پیامبرکشی ها این است که شما به جای این که تابع دستورات خدا باشید، تابع خواسته های نفسان هستید).

(۸۷)

جواب تمسخرآمیز بنی اسرائیل در خصوص پیامبرکشی:

(قوم یهود برای شانه خالی کردن از دعوت پیامبران، با تمسخر) می گفتند: دلای ما در غلاف و پوشش است (و حقیقت بر ما پوشیده است و چیزی از دستورات و گفته های شما پیامبران را نمی فهمیم در حالی که آنها این جواب را از روی مسخره می گفتند و خداوند نیز توفیق فهم و درک و معرفت را از آنان گرفت و) از رحمت خود دور و به خاطر کفر (و عناد و سرکشی) لعنتشان کرده است، پس (به سبب کفرشان ایمان آنان ضعیف است و به خاطر کم بودن ایمان، به آیات الهی) کمتر ایمان می آورند.

(۸۸)

لغات جدید: ۲۸ لغت

لَمَّا: هنگامی که، مگر. جَاءَهُمْ: آمد به سوی آنها. مَعَهُمْ: به همراه آنها. كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ: فتح و پیروزی می خواستند (خبر پیروزی می دادند). عَرَفُوا: شناختند. فَلَعْنَةُ: پس لعنت. بِسْمَا: بد است آنچه. اَنْ يَكْفُرُوا: که کفر می ورزند. بَغْيًا: حسد، ستم و تجاوز. اَنْ يُنْزَلَ: که نازل می کند. فَضْلِهِ: فضل خودش. يَشَاءُ: می خواهد. عِبَادِهِ: بندگانش. فَبَاءُوا: پس بازگشتند. غَضَبٍ: خشم. مُهِنٍ: خوار کننده. نُؤْمِنُ: ایمان می آوریم. يَكْفُرُونَ: کفر می ورزند. وَرَاءُ: پس از آن، پشت سر آن. فَلَمَّ: پس چرا، پس برای چه. اَنْبِيََاءَ: پیامبران. مُؤْمِنِينَ: ایمان آورندگان. بِالْبَيِّنَاتِ: به دلایل آشکار. اَسْمَعُوا: بشنوید. سَمِعْنَا: شنیدیم. عَصَيْنَا: نافرمانی کردیم. اَشْرَبُوا: آمیخته شده بودند، نوشانده شد به آنها. اِيْمَانَكُمْ: ایمانتان

لغات تکراری

کتاب ۲ من ۲ عند ۸ مُصَدِّقٌ ۷ لَمَّا ۷ قبل ۵ عَلَى ۲
الَّذِينَ ۱ كَفَرُوا ۳ فَلَمَّا ۴ مَا ۲ بِهِ ۴ الْكَافِرِينَ ۶
اَشْتَرُوا ۳ اَنْفُسَهُمْ ۳ بِمَا ۲ اُنْزِلَ ۴ مِنْ ۳ بِغَضَبٍ ۹
لِلْكَافِرِينَ ۴ عَذَابٌ ۳ اِذَا ۳ قِيلَ ۳ لَهُمْ ۳ اٰمَنُوا ۳
قَالُوا ۳ اُنْزِلْ ۲ عَلَيْنَا ۱۱ هُوَ ۵ الْحَقُّ ۵ قُل ۱۲
تَقُولُونَ ۱۳ اِنْ ۴ كُنْتُمْ ۴ لَقَدْ ۱۰ جَاءَكُمْ ۱۳ مُوسَىٰ ۸
ثُمَّ ۵ اتَّخَذْتُمْ ۸ الْعِجْلَ ۸ بَعْدَهُ ۸ اَنْتُمْ ۴ ظَالِمُونَ ۸ اِذْ
۶ اَخَذْنَا ۱۰ مِيثَاقَكُمْ ۱۰ رَفَعْنَا ۱۰ فَوْقَكُمْ ۱۰ الطُّورَ
۱۰ خَذُوا ۱۰ اٰتَيْنَاكُمْ ۱۰ بِقُوَّةٍ ۱۰ فِي ۳ قُلُوبِهِمْ ۳
بِكُفْرِهِمْ ۱۳ يٰۤاٰمُرُكُمْ ۱۰

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ
لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ
عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا
كَفَرُوا بِهِۦ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾
بِسْمَا أَشْتَرُوا بِهِۦٓ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَكْفُرُوا
بِمَا اَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا اَنْ يُنْزَلَ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِۦٓ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ فَبَاءُوا
بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَاٰمَنُوا بِمَا اَنْزَلَ
اللَّهُ قَالُوْا نُوْمِنُ بِمَا اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ
بِمَا وَّرَاءُ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ
قُلْ فَلِمَ تَقُولُونَ اَنْبِيَآءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ اِنْ كُنْتُمْ
مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ ﴿٩٢﴾ وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ
مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ
بَعْدِهِۦ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٣﴾ وَاِذْ اَخَذْنَا
مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا
مَآءَ اٰتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا
وَعَصَيْنَا وَاَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ
بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا يٰۤاٰمُرُكُمْ
بِهٖٓ اِيْمٰنَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٩٤﴾

انتظار یهودیان برای آمدن پیامبر اسلام ﷺ:

(یهودیان بر اساس آیات تورات می دانستند که پیامبر اسلام خواهد آمد و به یاری و رهبری او بر کفار غلبه خواهند نمود اما وقتی پیامبر اسلام ﷺ ظهور کرد با او مخالفت کردند و نبوت او را انکار نمودند زیرا منافع مادی خود را در خطر می دیدند چنانکه خداوند در این خصوص می فرماید:) و زمانی که کتاب (قرآن) از جانب خدا برای آنها (یهودیان) آمد و همین کتاب قرآن تصدیق کننده کتاب تورات نیز بود و یهودیان قبل از آمدن قرآن (در مقابل کفار و دشمنانشان) اظهار امیدواری می کردند که (در آینده نزدیک به رهبری پیامبر اسلام) بر شما غلبه کرده و پیروز خواهیم شد اما همین یهودیان بعد از آمدن پیامبر و قرآن (هر چند که از قبل می شناختند و بر اساس آیات تورات از این جریان باخبر بودند، ولی وقتی دیدند که پیامبر اسلام از نژاد یهود نیست از روی لجاجت و سرکشی با قرآن و پیامبر اسلام ﷺ) مخالفت کردند پس کافران (لجوج و حق ناپذیر) مورد خشم و غضب و لعنت الهی قرار گرفتند.

(۸۹)

علت ابتلا به قهر و غضب الهی:

(یهودیان به خاطر حفظ منافع دنیوی خود، حقانیت پیامبر اسلام و قرآن را انکار می کردند) پس چه بد است که با انکار قرآن (زندگی سالم دنیوی و اخروی) خودشان را از دست دادند و علت (مخالفت و انکار آیات قرآن این) است که آنها چیزی را می خواستند که حقیقت نبود یعنی آنها می خواستند پیامبر، از نژاد یهود باشد و چون این طور نشد آنها حسادت کردند و با حسدورزی، به نبوت پیامبر اسلام اعتراض نموده و معترضانه می گفتند که چرا خداوند مقام نبوت و وحی خود را به کسی می دهد (که از نژاد یهود نیست بنابراین قوم یهود) بر اثر حسدورزی، با قرآن و پیامبر اسلام (مخالفت نمودند) و به سبب کفرورزی به قهر و غضبهایی پی در پی خداوند گرفتار شدند (و به علت انکار حقانیت قرآن و پیامبر اسلام ﷺ) به عذاب ذلت بار و خوارکننده مبتلا خواهند شد.

(۹۰)

عکس العمل قوم یهود در مقابل دعوت پیامبر اسلام ﷺ:

(پیامبر اسلام ﷺ یهودیان را برای پذیرش اسلام و قرآن دعوت می کرد ولی قوم یهود به این دعوت الهی پاسخ منفی دادند) و هرگاه گفته می شد به قرآن ایمان بیاورید می گفتند ما فقط به کتاب آسمانی خودمان «تورات و انجیل» ایمان می آوریم و به غیر از آن کفر می ورزیدند (و قرآن را انکار می کردند)

در حالی که قرآن کتابهای آنها را تأیید و تصدیق می کند (و ادعای آنها باطل و دروغ بود زیرا اولاً آنها می بایست بر اساس آیات تورات و انجیل به پیامبر اسلام ﷺ و قرآن ایمان بیاورند و ثانیاً اگر آنها راست می گویند که به آیات تورات و انجیل ایمان دارند پس چرا پیامبران بنی اسرائیل «یحیی و زکریا علیهما السلام» را کشتند در حالی که طبق آیات کتاب آسمانی خودشان، کشتن پیامبران الهی و مخالفت با دستورات آنها، ممنوع و حرام است).

(قرآن در توبیخ آنها و رد ادعای باطلشان می فرماید:) اگر شما واقعاً به آیات کتاب تورات ایمان دارید پس چرا پیش از ظهور اسلام، پیامبرانی را که از نژاد خودتان بودند می کشتید؟

(۹۱)

گوساله پرستی یهودیان پس از دعوت حضرت موسی ﷺ:

حضرت موسی قوم یهود را با دلایل روشن و معجزات زیادی دعوت نمود (که هر کدام از آن معجزات برای هدایت آنها، کافی بود) ولی هنگامی که حضرت موسی ﷺ چند شبی برای گرفتن تورات به کوه طور رفته بود، (آنها در غیاب او) گوساله را به پرستش گرفتند و (با این عمل، در مقابل دعوت حضرت موسی ﷺ سرکشی و نافرمانی کردند و در واقع) به خودشان ستم کردند (و اعمال عبادی و اعتقاداتشان را باطل کردند).

(۹۲)

دعوت خداوند از یهودیان:

و هنگامی که (برای پذیرش تورات و عمل به دستورات آن از شما بنی اسرائیل) پیمان محکم گرفتیم (و چون شما با عناد و لجاجت قبول نمی کردید ما نیز) کوه طور را (با قدرت غیبی) بالای سر شما بلند کردیم و (گفتیم) آنچه را (از آیات تورات) به شما دادیم باید با جدیت تحویل بگیرید و (احکام و دستورات آن را) بشنوید (و به آن عمل کنید، آنها) گفتند: شنیدیم (و پذیرفتیم آیات تورات را ولی عملاً) نافرمانی کردند و (به آیات و احکام تورات عمل نکردند زیرا) قلبهای آنها بر اثر انکار آیات تورات و کفر به خدا (از خداپرستی خالی شده و با عشق) به گوساله پرستی سیراب شده است، (پس ای پیامبر به آنها) بگو (شما که ادعا می کنید) ایمان دارید (پس چرا ایمانتان شما را به گوساله پرستی و پیامبرکشی و تکذیب پیامبران و انکار آیات کتاب آسمانی فرمان می دهد) پس چه بد است نتیجه ایمانتان که شما را به چیزهای بد فرمان می دهد.

(۹۳)

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَنَجْذِثَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضِحِهِ مِّنَ الْعَذَابِ أَنَّ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَن كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوْ كَلَّمَآ عَاهِدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَتْهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

لغات جدید: ۴۵ لغت

كَانَتْ: بود. **الدَّار:** خانه (الدَّارُ الْآخِرَةُ: سرای آخرت، الْآخِرَةُ: آخرت، آخری، اخیر، واپسین). **خَالِصَةً:** خالص، مخصوص. **فَتَمَنَّوْا:** پس آرزو کنید. **لَنْ يَتَمَنَّوْهُ:** هرگز آرزو نمی کنند آن را. **أَبَدًا:** همیشه. **قَدَّمْت:** پیش فرستاد. **بِالظَّالِمِينَ:** به ستمکاران. **لَنَجْذِثَهُمْ:** مسلماً خواهی یافت آنها را. **أَحْرَصَ:** حریص تر. **أَشْرَكُوا:** شرک ورزیدند. **يَوَدُّ:** دوست دارد. **أَحَدُهُمْ:** هر یک از آنها. **يُعَمَّرُ:** عمر داده شود. **أَلْفَ:** هزار. **سَنَةٍ:** سال. **بِمُرْضِحِهِ (ب + مرزح + ه):** دور کننده او **أَنْ يُعَمَّرَ:** که عمر داده شود. **بَصِيرٌ:** بینا. **يَعْمَلُونَ:** انجام می دهند. **لِجِبْرِيلَ:** برای حضرت جبرئیل. **فَأَنَّهُ:** پس قطعاً او. **نَزَّلَهُ:** فرود آورد آن را. **قَلْبِكَ:** قلب تو. **بِإِذْنِ:** با اجازه، به فرمان. **يَدِيهِ:** دو دست او (بین یدیه: پیش او، نزد او). **بُشْرَى:** بشارت دهنده. **لِلْمُؤْمِنِينَ:** برای ایمان آورندگان. **مَلَائِكَتِهِ:** فرشتگانش. **رُسُلِهِ:** پیامبرانش. **جِبْرِيلَ:** حضرت جبرئیل. **مِيكَالَ:** حضرت میکائیل. **آيَات:** نشانه ها، آیه ها. **مَا يَكْفُرُ:** کفر نمی ورزد. **بِهَا:** به آن. **الْفَاسِقُونَ:** نافرمانی کنندگان، خارج شدگان از اطاعت خدا. **أَوْ كَلَّمَآ:** و آیا هر زمان. **عَاهِدُوا:** عهد بستند. **نَبَذَهُ:** پشت سر انداخت آن را. **أَكْثَرُهُمْ:** بیشتر آنها. **نَبَذَ:** دور افکند. **أُوتُوا:** داده شدند. **وَرَاءَ:** بعد، پشت، پشت سر، پس، پیش، پس از، پیش از غیر از (وراء ذلك: غیر از آن، پشت سر آن). **ظُهُورِهِمْ:** پشت سرشان. **كَانَتْهُمْ:** مثل اینکه آنها

لغات تکراری

قُلْ ۱۲ إِنْ ۴ لَكُمْ ۴ عِنْدَ ۸ مِنْ ۲ دُونَ ۴ النَّاسِ ۳ الْمَوْتَ ۴ كُنْتُمْ ۴ صَادِقِينَ ۴ بِمَا ۲ أَيْدِيَهُمْ ۱۲ عَلِيمٌ ۵ عَلَى ۲ حَيَاةٍ ۱۳ الَّذِينَ ۱ لَوْ ۴ مَا ۲ هُوَ ۵ الْعَذَابِ ۳ مَن ۳ كَانَ ۶ عَدُوًّا ۶ مُصَدِّقًا ۷ لِّمَا ۷ بَيْنَ ۱۰ هُدًى ۲ لِلَّهِ ۱ فَإِنَّ ۹ لِلْكَافِرِينَ ۴ لَقَدْ ۱۰ أَنزَلْنَا ۸ إِلَيْكَ ۲ بَيِّنَاتٍ ۱۳ إِلَّا ۳ عَهْدًا ۵ فَرِيقٌ ۱۱ مِنْهُمْ ۱۱ بَلْ ۱۳ لَا يُؤْمِنُونَ ۳ لَمَّا ۱۴ جَاءَهُمْ ۱۴ رَسُولٌ ۱۳ مَعَهُمْ ۱۴ الْكِتَابَ ۲ لَا يَعْلَمُونَ ۳

استفاده انحصاری از بهشت:

(اعتقادات یهود بر اساس آرزوها و خیالبافی‌هایی بود که خودشان به دروغ بافته و ساخته بودند، آنها خود را فرزندان خدا می‌دانستند، از این رو تمام نعمت‌های آخرت را مخصوص خودشان می‌پنداشتند اما قرآن کریم این اعتقاد باطل و ادعای دروغ را با یک استدلال قوی رد کرده و می‌فرماید: ای پیامبر اسلام در پاسخ به ادعای دروغ آنها) بگو اگر شما یهودیان (جداً اعتقاد دارید که) سرای آخرت و نعمت‌های بهشتی مخصوص شماست، نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید (از خداوند) تمنای مرگ کنید (و با مرگ، به سرای آخرت وارد شوید زیرا تنها راه رسیدن به بهشت فقط «مرگ» است). ﴿۹۴﴾

علت فرار از مرگ:

هرگز آنها آرزوی مرگ نمی‌کنند (و ابداً از مرگ استقبال نمی‌کنند که وارد سرای آخرت شوند) به خاطر این که می‌دانند چه بسیار گناهان و اعمال زشتی با دستهای خودشان به سرای آخرت فرستاده‌اند؛ آری خداوند نسبت به (اعمال قوم) ستمکار (یهود و همچنین از افکار باطل آنها) آگاهی کامل دارد (و آنها را به عذاب جهنم مجازات خواهد کرد). ﴿۹۵﴾

حریص‌ترین مردم به زندگی دنیا:

(قوم یهود، ادعای ایمان به آخرت، و رسیدن به بهشت را دارند در حالی که این ادعا، با آرزوهای طولانی و با زندگی دنیا سازگار نیست و اگر آنها را با سایر مردم مقایسه کنی) حتماً آنها را حریص‌ترین مردم نسبت به زندگی (طولانی دنیوی) خواهی یافت (و البته هدف آنها از این زندگی طولانی، اطاعت از خدا یا زندگی شرافتمندانه نیست بلکه آنها از ترس جهنم، مرگ را دوست ندارند و دلبستگی آنها به دنیا) حتی از مشرکان نیز بیشتر است، هرکدام از آنها دوست دارند کاش هزار سال عمر داده شوند (زیرا خیال می‌کنند عمر طولانی می‌تواند آنها را از وارد شدن به جهنم باز دارد) در حالی که چنین نیست و حتی آن زندگی هزارساله هم نمی‌تواند مانع عذاب الهی شود و خداوند (به تمام گناهانی که انجام می‌دهند) ناظر است و اعمالشان را می‌بیند. ﴿۹۶﴾

موضع‌گیری‌های نادرست یهود در مقابل وحی الهی:

(یهودیان به پیامبر اسلام ﷺ می‌گفتند: ما با جبرئیل دشمن هستیم زیرا او دستورات سختی در مورد جنگ و جهاد از جانب خداوند می‌آورد و چون جبرئیل به شما وحی می‌آورد بنابراین ما به تو ایمان نمی‌آوریم و اگر میکائیل به شما وحی آورد به تو ایمان می‌آوریم، زیرا او دستورات آسان می‌آورد و لذا خداوند به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: در پاسخ یهود) بگو هر کس دشمن (فرشتگان الهی و) جبرئیل باشد پس (او در واقع دشمن خداست زیرا) او قرآن (وحی) را به امر خداوند بر قلب تو فرو می‌آورد و از طرفی قرآن تصدیق‌کننده کتابهای آسمانی پیش از قرآن نیز هست و آیات کتاب قرآن، هدایت‌کننده ایمان‌آوردگان واقعی و بشارت‌دهنده اهل ایمان به سعادت‌مندی در دنیا و آخرت است. ﴿۹۷﴾

مصادیقی از کافران:

هر کس با خداوند و فرشتگان و پیامبران و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد (کافر است) و خداوند هم دشمن کافران است. ﴿۹۸﴾

چه کسانی آیات روشن را انکار می‌کنند:

(خداوند می‌فرماید: ای پیامبر) ما حقیقتاً به سوی تو آیاتی روشن و روشنگر فرو فرستادیم و هیچ کس جز افراد فاسق آن را انکار نمی‌کند. ﴿۹۹﴾

پیمان‌شکنی‌های یهود:

(در تاریخ یهود پیمان‌شکنی‌های زیاد و همچنین بی‌اعتنایی آنها به پیمانها و آیات الهی دیده می‌شود و لذا قرآن کریم ضمن توبیخ و سرزنش آنها می‌فرماید: آیا (غیر از این است که یهودیان) هر عهد و پیمانی که با خدا و پیامبران می‌بستند، بسیاری از آنها، آن عهد و پیمان را می‌شکستند و زیر پا می‌گذاشتند، اکثر آنها (نه تنها عهدشکنی می‌کردند حتی به قرآن و پیامبر اسلام نیز) ایمان نمی‌آوردند. ﴿۱۰۰﴾

بی‌اعتنایی و مخالفت یهود با قرآن:

زمانی که خداوند پیامبر اسلام را به سوی آنها فرستاد با اینکه تورات آنها را نیز تصدیق و تأیید می‌کرد، گروهی از علمای یهود، کتاب خدا را (با اینکه حقایق آن را می‌دانستند ولی) دورانداختند گویا اینکه نمی‌دانند کتاب خداست. ﴿۱۰۱﴾

لغات جدید: ۴۷ لغت

اتَّبِعُوا: پیروی کردند. **تَتْلُوا:** می خواند. **الشَّيَاطِينُ:** شیطان ها.
مُلْك: حکومت، فرمانروایی. **سُلَيْمَان:** حضرت سلیمان.
مَا كَفَرُ: کافر نشد. **لَكِنْ:** ولی. **يُعَلِّمُونَ:** تعلیم می دهند.
السَّحَر: جادو. **الْمَلَائِكِينَ:** دو فرشته. **بِابِلَ:** در (سرزمین) بابل.
هَارُوتَ: نام فرشته. **مَارُوتَ:** نام فرشته. **مَا يُعَلِّمَانِ:** یاد نمی دهند. **أَحَدٍ:** یک (کسی). **يَقُولَا:** می گویند. **فِتْنَةً:** امتحان، آزمودن، فریب، آشوب، شرک، ضلالت، عذاب و شکنجه
فَلَا تَكْفُرُ: پس کفر نوز، پس کافر نشو. **فَيَتَعَلَّمُونَ:** پس یاد می گیرند. **مِنْهُمْ:** از آن دو. **يُفَرِّقُونَ:** جدایی می افکنند. **الْمَرءَ:** مرد، فرد، شخص، انسان
زَوْجِهِ: همسرش. **بِضَارَيْنِ:** ضرر رسانندگان.
يَتَعَلَّمُونَ: یاد می گیرند. **يَضُرُّهُمْ:** ضرر می رساند به آنها. **لَا يَنْفَعُهُمْ:** برای آنها سودی ندارد. **عَلِمُوا:** دانستند.
لَمَنْ: مسلماً کسی که. **اشْتَرَاهُ:** خرید آن را. **لَهُ:** برای او.
خَلَقَ: بهره، نصیب. **لَيْسَ:** قطعاً بد است. **شَرُوا:** فروختند.
كَانُوا يَعْلَمُونَ: می دانستند. **اتَّقُوا:** تقوا پیشه کردند. **لَمُتُوبَةٍ (لـ + متوبه):** قطعاً ثواب، قطعاً پاداش. **لَا تَقُولُوا:** نگویید. **رَاعِنَا:** مراعات کن ما را، تحمیق کن ما را. **انْظُرْنَا:** نظر کن به ما، مهلت ده به ما. **مَا يَوَدُّ:** دوست ندارد. **أَهْلٍ:** اهل، مردم (اهل کتاب: یهود و نصاری). **الْمُشْرِكِينَ:** مشرکان. **أَنْ يُنْزَلَ:** که نازل شود. **يَخْتَصُّ:** اختصاص می دهد. **بِرَحْمَتِهِ:** رحمتش. **ذُو:** صاحب

لغات تکراری

مَا ۲ عَلَى ۲ كَفَرُوا ۳ النَّاسَ ۳ أَنْزَلَ ۲ مِنْ ۲ حَتَّى ۸
 إِنَّمَا ۳ نَحْنُ ۳ بِهِ ۴ بَيْنَ ۱۰ هُمْ ۲ إِلَّا ۳ بِإِذْنِ ۱۵
 لَقَدْ ۱۰ فِي ۳ الْآخِرَةِ ۱۵ انْفُسَهُمْ ۳ لَوْ ۴ أَنْتَهُمْ ۷
 آمَنُوا ۳ عِنْدَ ۸ خَيْرٌ ۸ يَا أَيُّهَا ۴ الَّذِينَ ۱ قُولُوا ۹
 اسْمِعُوا ۱۴ لِلْكَافِرِينَ ۴ عَذَابٌ ۳ أَلِيمٌ ۳ الْكِتَابِ ۲ لَا
 ۱ عَلَيْكُمْ ۷ رَبُّكُمْ ۴ مِنْ ۳ يَشَاءُ ۱۴ الْفَضْلِ ۱۰
 الْعَظِيمِ ۳

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكٍ سُلَيْمَانَ
 وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ
 كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا
 أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكِينَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ
 وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ
 فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ
 بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ
 بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ
 مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا
 لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
 خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَكَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا
 وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا
 يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَا يَوَدُّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْكُمْ
 خَيْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ
 مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

سوء استفاده‌های زانیار از سحر:

(در زمان حضرت سلیمان علیه السلام گروهی به جادوگری مشغول بودند، حضرت سلیمان علیه السلام دستور داد تمام کتابهای سحر و نوشته‌های جادوگران جمع‌آوری و در جای مخصوص نگهداری شود اما پس از وفات آن حضرت، دوباره به سحر و جادوگری پرداختند و این گروه از جادوگران و ساحران برای این که کار خودشان را توجیه کنند و در بین مردم رواج دهند، می‌گفتند: سلیمان علیه السلام هم پیامبر نبود بلکه او هم با سحر و جادوگری بر حکومت و کشور مسلط شده بود و یهودیان عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جای این که از کتاب قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیروی و اطاعت کنند از کتاب (جادوگران شیطان‌صفت که در زمان سلیمان برای مردم از سحر و جادو می‌خواندند و یاد می‌دادند، پیروی کردند (و حتی به حضرت سلیمان علیه السلام تهمت کفر و ساحری زدند در حالی که) سلیمان، (ساحر و) کافر نبود (بلکه یهودیان کافر و) شیطان‌صفتها بودند که) با آموزش سحر و جادو) کفر ورزیدند و به مردم سحر و جادوگری یاد می‌دادند حتی از آن دو فرشته هاروت و ماروت که خداوند به سرزمین بابل فرستاد تا برای مردم روش خشتی کردن سحر و جادو را یاد بدهند، (ولی یهودیان جادوگر حتی روشها و فن‌هایی که آن دو فرشته برای ابطال سحر یاد می‌دادند دنبال کردند و سرانجام سحر و جادو را هر چه بیشتر یاد گرفتند) در حالی که آن دو فرشته قبل از آموزش به مردم می‌گفتند: «چیزی که یاد می‌گیرید فقط برای خشتی کردن سحر جادوگران است، مواظب باشید که با سوء استفاده از سحر، کافر نشوید و این یک امتحان الهی است».

اما آنها چیزهایی از سحر یاد می‌گرفتند که برای جدایی بین زن و شوهر استفاده می‌کردند، البته سحر و جادو بدون اجازه و اراده خداوند هیچ اثر و ضرری ندارد. بالاخره یهودیان از سحر چیزهایی آموختند که به زیان آنها بود و هیچ سودی نداشت.

عاقبت سحرآموزان و جادوگران:

البته (یهودیان سحرآموز و جادوگر بخوبی) می‌دانستند هر کس به دنبال چنین عملی باشد، حتماً در آخرت نصیب و پاداشی نخواهد داشت و بسیار بد کاری کردند که (آخرت) خودشان را در مقابل عمل سحر و جادوگری فروختند (و مجازات آخرت را خریدند).

﴿۱۰۲﴾

پاداشهای بهشتی برای اهل ایمان و عمل:

(خداوند در این آیه به یهودیانی که به دنبال جادوگری بودند و به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن ایمان نیاوردند و به دستوراتش عمل نکردند هشدار می‌دهد که) اگر یهودیان (به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن) ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند (و از گناهانی همچون سحر و جادوگری دوری می‌کردند) حتماً پاداشی از جانب پروردگار (دریافت می‌کردند) که برایشان بهتر بود، اگر می‌دانستند.

﴿۱۰۳﴾

ایجاد زمینه سوء استفاده برای دشمنان:

ای مؤمنان (به پیامبرتان) نگویید «راعنا» (که این کلمه دوپهلوی بوده و برای دشمنان زمینه سوء استفاده ایجاد می‌کند بلکه) بگویید «انظرنّا» (یعنی به ما نظر کن که این کلمه شفاف است و موجب شبهه و شایعه‌سازی نیست) پس (همین دستور خداوند را) بشنوید و عمل کنید و (مطمئن باشید که) برای کافران (که به بهانه‌های مختلف به پیامبر اسلام اهانت و با مکتب اسلام عناد و لجاجت دارند) عذاب بسیار دردناکی خواهد بود.

﴿۱۰۴﴾

کینه‌توزی‌های عمیق دشمنان دین علیه مسلمانان:

کسانی که از اهل کتاب کافر شدند (یعنی یهود و نصاری) و همچنین مشرکان (به سبب حسادت‌هایی که دارند، هرگز) دوست ندارند کمترین خیر و برکتی از جانب خداوند بر مسلمانان نازل شود (و همیشه با شیطنتها و نقشه‌های مغرضانه می‌خواهند به اسلام و مسلمانان ضربه برسانند هرچند که در ظاهر حرکت‌های مسالمت‌آمیز نشان می‌دهند و خواستار ایجاد روابط دوستانه می‌شوند اما نباید فریب این حیلۀ شیطانی و دروغ‌سازی آنها را خورد).

و خداوند با حکمت و قدرتش شما را از رحمت‌های ویژه‌اش بهره‌مند می‌سازد زیرا خداوند دارای فضل و رحمت بزرگی است.

﴿۱۰۵﴾

لغات جدید: ۴۱ لغت

نَسَخَ: نسخ می کنیم، تبدیل می کنیم («نسخ»، تغییر دادن حکمی و جانشین ساختن حکم دیگری به جای آن است).
آیة: آیه، نشانه، حکم. **نُنْسِهَا:** به فراموشی می سپاریم آن را، به تأخیر می اندازیم آن را. **نَأَتْ بـ:** می آوریم، **بَخِرَ:** بهتر، خوبی، نیکی. **مِثْلَهَا:** مانند آن. **أَلَمْ تَعْلَمْ:** آیا ندانستی. **وَلِيٌّ:** سرپرست، دوست صمیمی. **نَصِيرَ:** یاری دهنده. **تُرِيدُونَ:** می خواهید. **أَنْ تَسْأَلُوا:** که سؤال کنید. **رَسُولَكُمْ:** پیامبرتان.
سُئِلَ: سؤال شد. **يَتَبَدَّلُ:** عوض می کند. **الْكُفْرَ:** کفر، انکار. **بِالْإِيمَانِ:** با ایمان. **فَقَدْ (ف + قد):** پس قطعاً. **ضَلَّ:** گمراه شد، منحرف شد، راه را گم کرد، گم شده، از دست رفت، ناپدید شد. **السَّبِيلَ:** راه (سواء السَّبِيلَ: راه راست، راه میانه و معتدل). **وَدَّ:** دوست داشت، آرزو کرد. **يَرُدُّونَكُمْ:** برمی گردانند شما را. **كُفَّارًا:** کافران، کشاورزان. **حَسَدًا:** بدخواهی، حسد بردن، از بین رفتن نعمت دیگران را خواستن.
تَبَيَّنَ: آشکار شد. **فَاعْفُوا:** پس عفو کنید. **اصْفَحُوا:** گذشت کنید، چشم پوشی کنید، نادیده بگیرید. **يَأْتِي بـ:** می آورد. **بِأَمْرِهِ:** به امرش، به کارش، به دستورش. **تَقْدَمُوا:** پیش می فرستید، مقدم می دارید. **لِأَنْفُسِكُمْ:** برای خودتان. **تَجِدُوا:** می یابید آن را. **لَنْ يَدْخُلَ:** هرگز داخل نخواهد شد. **هُودًا:** یهودی. **تِلْكَ:** آن. **أَمَانِيَهُمْ:** آرزوهای آنها. **هَاتُوا:** بیاورید. **بُرْهَانَكُمْ:** دلیلتان. **أَسْلَمَ:** تسلیم کرد. **وَجْهَهُ:** خودش، ذات او، چهره او، باطن او، روح او (خشنودی او). **مُحْسِنٍ:** نیکوکار. **فَلَهُ:** پس برای او. **أَجْرُهُ:** پاداشش

لغات تکراری

ما ۲ أو ۴ منها ۵ أن ۵ على ۲ كل ۴ شئ ۴ قدير ۴ له ۱۶ ملك ۱۶ السموات ۵ الأرض ۳ لكم ۴ دُونَ ۴ لا ۱ أم ۳ كما ۳ موسى ۸ قبل ۵ مَنْ ۳ سواء ۳ كثير ۵ أهل ۱۶ الكتاب ۲ لو ۴ بعد ۵ إيمانكم ۱۴ عند ۸ أنفسهم ۳ لهم ۳ الحق ۵ حتى ۸ إن ۳ أقيموا ۷ الصلاة ۲ أتوا ۷ الزكاة ۷ خير ۸ بما ۲ تعملون ۱۱ بصير ۱۵ قالوا ۳ الجنة ۶ إلّا ۳ كان ۶ نصارى ۱۰ قل ۱۲ إن ۴ كنتم ۴ صادقين ۴ بلى ۱۲ لله ۱ هو ۵ ربّه ۶ خوف ۷ عليهم ۱ هم ۲ لا يخزنون ۷

﴿ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ ﴿ ١٠٦ ﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿ ١٠٧ ﴾ أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿ ١٠٨ ﴾ وَذَكَرْنا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُمُ الْحَقَّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿ ١٠٩ ﴾ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا نُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ اللَّهَ يَمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿ ١١٠ ﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿ ١١١ ﴾ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿ ١١٢ ﴾

تغییر احکام و نسخ آیات در اختیار خداست:

(یهودیان اعتراض می کردند که چرا خداوند بعضی از آیات را تغییر می دهد، خداوند در پاسخ آنها می فرماید: اگر ما حکمی را نسخ یا متروک می کنیم (و آیه ای را تغییر می دهیم یا پیامبری را به جای پیامبر قبلی می فرستیم، همه این مسائل اولاً از اختیارات خاص خداوند است و بشر حق ندارد برای خداوند تکلیفی تعیین نماید و ثانیاً در این گونه موارد «یعنی تغییر و حذف آیه و حکم یا دین الهی» هیچ گونه جای سؤال و تعجب نیست، زیرا می فرماید: ما در این گونه موارد (یا) بهتر از قبلی می آوریم یا (حداقل) مثل همان را جایگزین می کنیم مسلماً خداوند بر اجرای هر کاری توانایی و اختیار تام دارد.

﴿۱۰۶﴾

حاکمیت مطلق و مالکیت حقیقی جهان هستی از آن خداست:

(ای قوم یهود، اعتراض و دخالت شما در امور الهی بی مورد و بیجاست) مگر شما نمی دانید که حکومت و مالکیت حقیقی (جهان هستی و) آنچه در آسمانها و زمین است همه از آن خداست (و خداوند اختیار دارد که امور عالم را به هر صورتی که مصلحت بداند تدبیر نماید و تغییر و حذف آیات با خداست) و شما جز خداوند هیچ سرپرست و یآوری ندارید.

﴿۱۰۷﴾

درخواست های نادرست:

(بعضی از مسلمانان به خدمت پیامبر اسلام ﷺ می رفتند و از آن حضرت درخواست های بی جا می کردند، مثلاً می گفتند: نامه هایی از طرف خداوند برای ما بیاور که ما آن را بخوانیم یا می خواستند فرشتگان را نزدشان بیاورد تا از نزدیک ببینند، از اینرو آیه فوق در پاسخ به چنین درخواست های غلط و غیرمعمول می فرماید: آیا شما (مسلمانان نیز همانند یهودیان چیزهای بیهوده ای) از پیامبران درخواست می کنید همان طور که قبلاً (یهودیان) از موسی درخواست می کردند (بدانید که چنین کاری عوض کردن ایمان با کفر است) و کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد قطعاً از راه راست (اسلام) منحرف و گمراه شده است (و شما مسلمانان نباید ایمانتان را با درخواست های بی جا و غلط به کفر تبدیل کنید).

﴿۱۰۸﴾

تلاش یهودیان برای شبیخون فرهنگی:

یهودیان به خاطر حسادت و لجبازی که داشتند (نه تنها خودشان به پیامبر اسلام ایمان نمی آوردند بلکه مسلمانانی که به پیامبر اسلام ایمان آورده بودند) سعی و تلاش می کردند که آنها را از ایمان به پیامبر منحرف کنند (تا پیامبر تنها بماند زیرا آنها تحمل نمی کردند که پیامبر غیر از نژاد یهود باشد هر چند که یهودیان در کتاب تورات آمدن پیامبر اسلام را خوانده بودند) و حقیقت برایشان روشن شده بود.

(از آنجایی که مسلمانان در آن وقت قدرت نظامی کافی نداشتند لذا خداوند مسلمانان را از برخورد با توطئه و شبیخون دشمن منع نموده و می فرماید: فعلاً از برخورد و درگیری با آنها) چشم پوشی کرده و توبیخ نکنید (و منتظر فرمان خداوند باشید تا در موقعیت مناسب) فرمان جهاد از جانب خداوند خواهد رسید (و تکلیف شما با آنها روشن خواهد شد) البته خداوند بر هر کاری تواناست (اما با حکمت و مصلحت انجام می دهد).

﴿۱۰۹﴾

ایجاد آمادگی در مسلمانان جهت مقابله با توطئه های دشمنان دین:

(خداوند به مسلمانان می فرماید برای اینکه بتوانید با قدرت کافی در مقابل توطئه های دشمنان ایستادگی کنید از همه مهمتر این است که برای تزکیه باطن و تقویت روحیه معنوی، نماز را بپا دارید و (برای تقویت بنیه مالی و توان اقتصادی جامعه) زکات مالتان را پردازید و بدانید هر کار نیک و عمل صالحی که پیش می فرستید حتماً نزد خداوند (در روز قیامت، پاداش آن را) خواهید یافت و قطعاً خداوند به همه کارهایی که انجام می دهید آگاهی کامل دارد.

﴿۱۱۰﴾

ادعای بی دلیل اهل کتاب در مورد بهشت:

(اهل کتاب) می گفتند به جز یهودی و مسیحی کسی داخل بهشت نخواهد شد ولی این ادعا از خیال های خام و پندار باطل آنهاست، در جوابشان بگویید: اگر راست می گوید پس با دلیلی این ادعا را اثبات کنید (در حالی که دلبستگی شدید آنها به دنیا و حاضر نشدن برای مرگ، بطلان این ادعا را ثابت می کند).

﴿۱۱۱﴾

چه کسانی از پادشاهای بهشتی بهره مند می شوند:

(بهره مندی از پادشاهای بهشتی با حرف و ادعا، به دست نمی آید) بلکه کسی که (به دستورات خداوند ایمان داشته باشد و) در مقابل خداوند صددرصد تسلیم باشد (و به تکالیف الهی و دینی خود طبق دستور خداوند عمل کند) و کارهای نیک انجام دهد، چنین کسانی حتماً از پادشاهای بهشتی بهره مند شده و هیچ گونه ترسی (از مجازات قیامت) ندارند (و در آخرت از عملکردشان) غمگین و اندوهگین نخواهند شد.

﴿۱۱۲﴾

لغات جدید: ۵۰ لغت

قَالَتْ گفت. **الْيَهُودُ** قوم یهود. **لَيْسَتْ** نیست. **يَتْلُونَ** تلاوت می کنند. **مِثْلُ** مانند. **قَوْلِهِمْ** گفتار آنها. **قَالَ** پس خداوند. **يَحْكُمُ** داوری می کند. **بَيْنَهُمْ** میان آنها. **فِيمَا** در آنچه. **كَانُوا يَخْتَلِفُونَ** اختلاف می کردند. **أَظْلَمُ** ظالم تر. **مِمَّنْ** از کسی که. **مَنَعَ** جلوگیری کرد. **مَسَاجِدَ** مسجدها. **أَنْ يُذَكَّرَ** که ذکر شود. **اسْمُهُ** اسم او. **سَعَى** تلاش کرد. **خَرَابِهَا** خراب کردن آن. **مَا كَانَ** نبود. **أَنْ يَدْخُلُوهَا** اینکه داخل شوند در آن. **خَائِفِينَ** بیمناکها. **الْمَشْرِقُ** مشرق. **الْمَغْرِبُ** مغرب. **فَأَيْنَمَا (ف + أينما)** پس به هر طرف، پس هر کجا. **تَوَلَّوْا** رو می کنید. **فَتَمَّ (ف + تم)** پس آنجا. **وَجْهَهُ** ذات، صورت. **وَأَسِعَ** دارای وسعت، فراگیرنده. **اتَّخَذَ** گرفت، انتخاب کرد. **وَلَدًا** فرزند. **سُبْحَانَهُ** پاک و منزّه است او. **قَانُونُ** مطیعان، فرمانبرداران. **بَدِيعُ** به وجود آورنده، آفریننده بدون نمونه قبلی. **قَضَى** حکم کرد، فرمان داد، واجب کرد، تمام کرد، به پایان رساند، به طور کامل انجام داد، اراده کرد، داوری کرد، فیصله داد، اعلام کرد، خبرداد. **أَمْرًا** کار. **فَأَيْنَمَا** پس فقط. **كُنْ** ایجاد شو. **فَيَكُونُ** پس ایجاد می شود. **لَوْ لَا يَكْلَمُنَا** چرا سخن نمی گوید با ما. **تَأْتِينَا** می آید برای ما. **قَبْلِهِمْ** قبل از آنها. **تَشَابَهَتْ** مشابه است، به یکدیگر شباهت دارد. **بَيْنَنَا** روشن ساختیم. **لِقَوْمٍ** برای قوم **أَرْسَلْنَاكَ** فرستادیم تو را. **بَشِيرًا** مژده دهنده. **نَذِيرًا** بیم دهنده. **لَا تَسْأَلُ** مسئول نیستی، مورد سؤال واقع نمی شوی. **الْجَحِيمِ** جهنم، آتش برافروخته.

لغات تکراری

النَّصَارَى ۱۰ عَلَى ۲ شَيْءٍ ۴ هُمْ ۲ الْكِتَابَ ۲ كَذَلِكَ ۱۱ قَالَ ۶ الَّذِينَ ۱ لَا يَعْلَمُونَ ۳ يَوْمَ ۱ الْقِيَامَةِ ۱۳ فِيهِ ۲ مَنْ ۳ فِيهَا ۵ فِي ۳ أُولَئِكَ ۲ لَهُمْ ۳ إِلَّا ۳ الدُّنْيَا ۱۳ خِزْيٌ ۱۳ الْآخِرَةُ ۱۵ عَذَابٌ ۳ عَظِيمٌ ۳ لِلَّهِ ۱ إِنْ ۳ عَلِيمٌ ۵ قَالُوا ۳ بَلْ ۱۳ لَهُ ۱۶ مَا ۲ السَّمَاوَاتِ ۵ الْأَرْضِ ۳ كُلُّ ۴ لَهُ ۱۶ إِذَا ۳ يَقُولُ ۳ أَوْ ۴ آيَةً ۱۷ قُلُوبُهُمْ ۳ قَدْ ۹ الْآيَاتِ ۱۵ يُوقِنُونَ ۲ إِنَّا ۳ بِالْحَقِّ ۱۱ عَنْ ۷ أَصْحَابِ ۷

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ
وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ
يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
مِثْلَ قَوْلِهِمْ قَالَهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى
فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا
إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ
وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَ لِلَّهِ
الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ
اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ ﴿١١٦﴾ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ
فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْ
لَا يَكْلَمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ
قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ
تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا
وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

برتری طلبی یهود و نصاری نسبت به یکدیگر و عاقبت آنها:

(علمای یهود و نصاری با یکدیگر به مجادله می پرداختند و هر کدام با سخنان بی دلیل، دین یکدیگر را نفی می کردند) یهودیان می گفتند دین مسیحیت باطل است و مسیحیان هیچ موقعیتی ندارند و مسیحیان هم می گفتند: دین یهود باطل است در حالی که (هر دو انکار حق نموده و سخن باطلی می گفتند زیرا) آنها کتابهای آسمانی خود را تلاوت می کردند (و می دیدند که دین یهود و نصاری در عصر موسی و عیسی علیه السلام حق بوده و انکار کردن دینهای آسمانی، فسق و کفر است، از طرفی کفار و مشرکان نیز علیه دینهای آسمانی اعتراض می کردند) بنابراین کسانی (همچون کفار و مشرکان) که (حقانیت دینهای آسمانی را) نمی دانند (از روی جهل و نادانی، دینهای آسمانی را انکار می کردند همچنانکه) سخنان یهود و نصاری هم همینطور بود پس خداوند درباره آنچه همواره اختلاف می کردند (و با سخنان و ادعاهای دروغ خود ایجاد اختلاف می نمودند)، روز قیامت داوری و حکم خواهد نمود (و منکران دین به کیفر خود خواهند رسید). (۱۱۳)

جلوگیری از مساجد، ظالمانه ترین کارهاست (توطئه فرهنگی):

(مساجد، محل آموزش احکام و معارف دین و مرکز فعالیتهای مذهبی و نیز مکانی برای یادکردن خداوند است ولی کافران و دشمنان دین همیشه سعی دارند کارهای مذهبی و دینی در مساجد کمرنگ و یا تعطیل شود، قرآن کریم نیز این عمل را، ظالمانه ترین عمل و چنین اشخاص را ستمکارترین افراد معرفی می نماید چرا که با جلوگیری از فعالیتهای مذهبی و دینی در مساجد در واقع معارف دینی و برنامه های انسان سازی و تربیت بشر، از بین می رود و در جامعه و محیط زندگی، آلودگی و فساد و ناامنی ایجاد می شود که این موارد، ظلم به جامعه بشری است بنابراین خداوند در توبیخ این افراد می فرماید: چه کسی ستمکارتر است از آنکه نگذارد نام خداوند در مساجد یاد شود و در ویرانی مساجد تلاش کند، مسلمانان باید (با حضور فعال در مساجد،) نگذارند آنها وارد مساجد شوند (و بر امور مسلمانان مسلط شوند) آنها باید با ترس و هراس در این گونه مراکز دینی و مساجد الهی وارد شوند.

عاقبت و نتیجه فعالیتهای ضد دینی کافران و دشمنان اسلام:

(نتیجه اعمال ظالمانه و مبارزات ضد مذهبی کافران این است که) برای آنها در دنیا رسوایی و خواری و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. (۱۱۴)

همه جهان مال خداست:

(یهودیان اعتراض می کردند که چرا قبله مسلمانان از نقطه ای به نقطه دیگر تغییر یافت، قرآن کریم نیز در رد این اعتراض می فرماید: نه تنها) غرب و شرق عالم مال خداست (بلکه همه نقاط جهان در اختیار خداوند است پس او به هر قبله ای که بخواهد باید شما عبادت کنید) و به هر طرف رو کنید خداوند همانجاست زیرا خداوند محیط به همه جهان و داناست. (۱۱۵)

انکار عقاید شرک آلود و خرافه پرستی یهود و نصاری و مشرکان:

(یهود و نصاری و مشرکان) می گفتند: خداوند فرزندی را برای خودش انتخاب کرده است (قرآن کریم این اعتقاد خرافی آنها را نفی کرده و می فرماید: خداوند منزّه از داشتن فرزند است (خداوند نیازی به فرزند ندارد در حالی که) همه آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست (و در اختیار اوست) و همه (موجودات هستی) مطیع و تسلیم خدا هستند (پس خداوند نیازمند فرزند نیست). (و از طرفی) خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین است و هر لحظه اراده کند کاری انجام شود یا چیزی به وجود آید بلافاصله ایجاد می کند (پس بنابراین خداوند با این قدرت نامحدود چه نیازی به فرزند دارد). (۱۱۶)

بهانه گیری کفار و مشرکان برای ایمان نیاوردن:

مشرکان و کفار نادان می گفتند: چرا خداوند با ما (مستقیماً) سخن نمی گوید (تا ما ایمان بیاوریم) و چرا برای ما معجزه مستقل نمی آید. (قرآن در پاسخ به بهانه جوییهای آنها می فرماید: پیشینیان آنها نیز چنین می گفتند، دلهایشان (و افکارشان در جهل و عناد) به یکدیگر شباهت دارد (در حالی که) ما دلایل روشنی برای کسانی که اهل یقین باشند، بیان کرده ایم (۱۱۸)

مأموریت اصلی پیامبر اسلام:

(ای پیامبر نگران ایمان نیاوردن مشرکان و کفار نباش، زیرا) تو مسؤول دوزخی شدن آنها نیستی، ما تو را (همراه با احکام و معارفی که) به حق (است) فرستادیم که فقط بشارتگر و بیم دهنده باشی (تا ابلاغ رسالت و اتمام حجت شود). (۱۱۹)

لغات جدید: ۴۸ لغت

لَنْ تَرْضَى: هرگز راضی نخواهد شد. عَنكَ: از تو. تَتَّبِعْ: پیروی کنی. مِلَّتَهُمْ: آئین آنها. لَنْ (ل + اِنْ): قطعاً اگر. اتَّبَعْتَ: پیروی کردی. أَهْوَاءَهُمْ: امیال نفسانی آنها، هوس‌های آنها. جَاءَكَ: آمد به سوی تو. آتَيْنَاهُمْ: دادیم به آنها. يَتْلُونَهُ: تلاوت می‌کنند آن را. تلاوته: تلاوت کردن آن. منظور از «حق تلاوت» یعنی؛ خواندن آیات، فهمیدن معانی و مفاهیم و تدبّر در آیات و عمل به دستورات آن است. يَكْفُرُ: کفر ورزد. لَا تَنْفَعُهَا: نفع و سودی ندارد برای او. ابْتَلَى: امتحان کرد، آزمود. إِبْرَاهِيمَ: حضرت ابراهیم. بَكَلَمَاتٍ: با کلمات. فَأَتَمَّهُنَّ: پس تمام کرد آنها را، پس به انجام رسانید آنها را. جَاعَلُكَ: قرار دهنده تو. إِمَامًا: امام، پیشوا، راهنما. ذُرِّيَّتِي: فرزندان من. لَا يَنَالُ: نمی‌رسد، به دست نمی‌آورد. عَهْدِي: پیمان من. جَعَلْنَا: قرار دادیم. الْبَيْتَ: خانه. مَثَابَةً: مرکز اجتماع، محل بازگشت. أَمْنًا: امنیت. اتَّخَذُوا: بگیرد. مَقَامَ: محل ایستادن. مُصَلًّى: مکان نماز، نمازخانه. عَهْدَنَا: عهد گرفتیم. إِسْمَاعِيلَ: حضرت اسماعیل. أَنْ طَهَّرَا: که پاکیزه کنید. بَيْتِي: خانه من. لِلطَّائِفِينَ: برای طواف کنندگان الْعَاكِفِينَ: اعتکاف کنندگان، مجاوران (کسانی که در همسایگی خانه خدا هستند، کسانی که در مکه اقامت دارند). الرُّكْعَ: رکوع کنندگان. السُّجُودَ: سجده کنندگان. رَبِّ: ای پروردگار من. اجْعَلْ: قرار بده. بَلَدًا: سرزمین. أَمْنًا: امن، ایمن. ارْزُقْ: روزی بده. أَهْلُهُ: اهل او. كَفَرَ: کافر شد. فَأَمَّتُهُ: پس برخوردار می‌کنم او را. أَضْطَرُّهُ: می‌کشانم او را، مضطرّ و بیچاره می‌کنم او را. بَنَسْ: بد است. الْمَصِيرُ: محل بازگشت، سرنوشت، سرانجام و پایان کار، از جایی به جایی منتقل شدن، تحول یافتن.

لغات تکراری

الْيَهُودُ ۱۸ لَا ۱ النَّصَارَى ۱۰ حَتَّى ۸ قُلْ ۱۲ إِنْ ۳ هُدًى ۲ هُوَ ۵ بَعْدَ ۵ الَّذِي ۴ مِنْ ۲ الْعِلْمُ ۶ مَا ۲ لَكَ ۶ وَلِيٌّ ۱۷ نَصِيرٌ ۱۷ الَّذِينَ ۱ الْكِتَابَ ۲ حَقٌّ ۵ أُولَئِكَ ۲ يُؤْمِنُونَ ۲ بِهِ ۴ مَنْ ۳ فَأُولَئِكَ ۱۲ هُمْ ۲ الْخَاسِرُونَ ۵ يَا ۶ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۷ اذْكُرُوا ۷ نِعْمَتِي ۷ الَّتِي ۴ أَنْعَمْتُ ۷ عَلَيْكُمْ ۷ أَنِّي ۷ فَضَّلْتُكُمْ ۷ عَلَى ۲ الْعَالَمِينَ ۱ اتَّقُوا ۷ يَوْمًا ۱ لَا تَجْزَى ۷ نَفْسٌ ۷ عَنْ ۷ شَيْئًا ۴ لَا يَقْبَلُ ۷ مِنْهَا ۵ عَدْلٌ ۷ شَفَاعَةٌ ۷ لَا يُنْصَرُونَ ۷ إِذْ ۶ رَبُّهُ ۶ قَالَ ۶ إِنِّي ۶ لِلنَّاسِ ۱۲ الظَّالِمِينَ ۶ إِلَى ۳ هَذَا ۵ الثَّمَرَاتِ ۴ آمَنَ ۳ مِنْهُمْ ۱۱ بِاللَّهِ ۳ الْآخِرِ ۳ قَلِيلًا ۷ ثُمَّ ۵ إِلَى ۳ عَذَابِ ۳ النَّارِ ۴

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ ۖ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزَى نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾

جلب رضایت دشمنان دین به قیمت سازش در برابر خواسته‌ها و افکار آنان ممنوع است:

(پیامبر اسلام، یهود و نصاری را به اسلام دعوت می‌کرد و می‌خواست با مذاکرات، رضایت آنها را جلب کند از این رو خداوند خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: هرگز یهود و نصاری (با آن روحیه لجاجت و عناد و افکار باطل) از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه تو کاملاً تسلیم دین (تحریف‌شده) آنها شوی (و آیین و افکار باطل آنها را صددرصد بپذیری، زیرا یهود و نصاری به کمتر از این راضی نمی‌شوند پس به آنها) بگو: هدایت واقعی همان هدایت الهی است (که با قرآن و اسلام محقق می‌شود و هیچ‌گونه هدایتی در دین تحریف‌شده شما وجود ندارد).

محرومیت از یاری و کمک خداوند، در صورت سازش با خواسته‌های دشمنان دین:

(ای پیروان محمد ﷺ بدانید که) اگر پیرو خواسته‌های (نامشروع) دشمنان دین باشید (و بخواهید با آنها سازش کنید) در صورتی که شما از عناد و لجاجتها و توطئه‌های آنها آگاهی دارید، مطمئن باشید در این‌صورت دیگر از تحت ولایت و حمایت خداوند خارج می‌شوید و دیگر هیچ‌گونه کمک و نصرتی از سوی خداوند به شما نخواهد رسید. ﴿۱۲۰﴾

اگر یهودیان و مسیحیان، تورات و انجیل بدون تحریف را می‌خواندند به اسلام و قرآن ایمان می‌آوردند:

کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده‌ایم (مانند یهود و نصاری) اگر (با دقت و تدبیر) آن کتابهای آسمانی (تورات و انجیل) را می‌خواندند و به محتوای آن عمل می‌کردند، حتماً به قرآن و پیامبر اسلام ایمان می‌آوردند (زیرا در تورات و انجیل، نشانه‌های آمدن پیامبر اسلام و حقانیت قرآن تأیید شده بود) و کسانی که (یهود و نصاری و کفار) آیات قرآن و پیامبر اسلام را انکار کنند مسلماً از زیانکاران (دنیا و آخرت) خواهند بود (زیرا هدایت را از دست داده‌اند). ﴿۱۲۱﴾

ناسپاسی در برابر نعمت‌ها:

ای بنی‌اسرائیل به یاد آورید نعمت‌های ما را که به شما داده‌ایم و شما را بر مردمان جهان برتری دادیم (اما شما با وجود این همه نعمت‌های مادی و معنوی، به جای اینکه ایمان بیاورید و اطاعت کنید، با لجبازی‌ها و نافرمانی‌ها و پیامبرکشی‌ها ناسپاسی کردید). ﴿۱۲۲﴾

مشخصات و خطرات روز قیامت:

(شما در مقابل نعمت‌های داده شده مسئول هستید و در روز قیامت بازخواست خواهید شد پس) بترسید از آن روزی که هیچ کس نمی‌تواند از دیگری عذابی را دفع کند و در برابر گناهان (به جای مجازات هیچ‌گونه جرمه و) عوضی پذیرفته نمی‌شود و حتی شفاعت شفاعت‌کنندگان هم به او فایده‌ای نبخشد (زیرا شدت گناهان مانع شفاعت می‌شود) و از جانب خداوند هیچ‌گونه کمکی نمی‌شوند. ﴿۱۲۳﴾

امتحانات بزرگ حضرت ابراهیم علیه السلام برای رسیدن به مقام امامت:

هنگامی (که خداوند خواست به حضرت ابراهیم علیه السلام مقام امامت عطا فرماید) او را به امتحانات سختی (همچون ذبح اسماعیل علیه السلام و انداخته شدن در آتش) مبتلا کرد و ابراهیم علیه السلام همه امتحانات الهی را به طور کامل و با موفقیت به اتمام رسانید، سپس خداوند فرمود: همانا من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم، ابراهیم به خداوند عرض کرد: از خاندان من چگونه؟ (آیا فرزندان من را نیز چنین مقامی عطا می‌فرماید؟) خداوند فرمود: مقام امامت به ستمکاران و ظالمان نمی‌رسد (و هرکدام از فرزندان تو شایسته مقام امامت باشند، به این مقام می‌رسند). ﴿۱۲۴﴾

کعبه، محل عبادت و مرکز اجتماعات مسلمانان جهان در امور سیاسی، عبادی و اقتصادی:

(خداوند فرمود: ما خانه (کعبه) را برای مردم، مرکز اجتماع و جای امنی قرار دادیم (پس حجاج، بعد از طواف خانه خدا) در مقام ابراهیم، نماز بخوانند.

(و به خاطر اهمیت و عظمت خانه خدا) به ابراهیم و اسماعیل دستور دادیم که خانه مرا برای (زائرانی که) طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان (هستند) پاکیزه نمایید. ﴿۱۲۵﴾

سرزمین مکه، مکانی امن و پربرکت:

ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست: پروردگارا، این سرزمین مکه را شهری امن قرارده و به مردم آن، که «به خدا و روز قیامت ایمان دارند» از نعمت‌های فراوان روزی عطا بفرما (خداوند دعای او را قبول کرد و فرمود: و کافران را نیز از نعمت‌های آن برخوردار می‌کنم (زیرا دنیا جای امتحان است) سپس کافران را پس از بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا (در صورتی که با حال کفر و بدون توبه از دنیا بروند، در روز قیامت) به عذاب آتش جهنم گرفتار می‌کنم البته آن، سرنوشت و جایگاه بسیار بدی است (که خودشان انتخاب نموده‌اند). ﴿۱۲۶﴾

لغات جدید: ۵۴ لغت

يَرْفَعُ: بالا می برد. **الْقَوَاعِدُ:** پایه ها، زنان از کار افتاده و بازنشسته (زنانی که سَنَشان بالا رفته و از انجام وظایف زناشویی و بچه دار شدن بازنشسته شده اند). **رَبَّنَا:** پروردگارا، ای پروردگار ما. **تَقَبَّلْ:** قبول بفرما، بپذیر. **مِنَّا (من + نا):** از ما. **السَّمِيعُ:** شنوا. **اجْعَلْنَا:** قرار بده ما را. **مُسْلِمِينَ:** تسلیم شوندگان. **ذُرِّيَّتَنَا:** نسل ما. **أُمَّة:** امت، مدت، زمان (**أُمَّة معدودة:** مدت زمان شمرده شده). **مُسْلِمَةً:** تسلیم فرمان، فرمانبردار. **أَرْنَا:** نشان بده به ما. **مَنَاسِكَنَا:** عبادت های ما. **تُبُّ:** توجه کن، بیخشای. **إِثْتُ:** معوث کن، بفرست. **فِيهِمْ:** در میان آنها. **يَتْلُوا:** تلاوت کند. **آيَاتِكَ:** آیات تو. **يَعْلَمُهُمُ:** بیاموزد به آنها. **الْحِكْمَةُ:** معارف و احکام دین. **يُرَكِّبُهُمُ:** پاک و خالص می کند آنها را. **الْعَزِيزُ:** مقتدر، شکستناپذیر، سخت و دشوار، باعزت، پیروز. **يَرْغَبُ:** روی برمی تابد، منصرف می شود، بی اعتنایی می کند. **مَلَّة:** دین، آیین. **سَفَه:** نابرداری کرد، هلاک کرد. **نَفْسُهُ:** خودش. **اصْطَفَيْنَاهُ:** برگزیدیم او را. **لَمَن:** حتماً از. **الصَّالِحِينَ:** شایستگان. **أَسْلَمَ:** تسلیم باش. **أَسْلَمْتُ:** تسلیم شدم. **لَرَبِّ:** برای پروردگار. **وَصَّى:** وصیت کرد، سفارش کرد. **بَنِيهِ:** پسرانش. **يَعْقُوبُ:** حضرت یعقوب. **بَنِيَّ:** پسران من. **اصْطَفَى:** برگزید. **فَلَا تَمُوتُنَّ:** پس نمیرید. **مُسْلِمُونَ:** تسلیم شوندگان، فرمانبرداران. **شُهَدَاءُ:** حاضرین، شاهدان. **حَضَرَ:** حاضر شد، فرا رسید. **لِبَنِيهِ:** (ب + بنی) **+ه:** به پسرانش. **تَعْبُدُونَ:** (شما) می پرستید. **بَعْدَى:** بعد از من. **إِلَهَكُ:** معبود تو. **إِلَه:** معبود. **آبَاتِكَ:** پدرانت. **إِسْحَاقُ:** حضرت اسحاق. **خَلَّتْ:** گذشت، سپری شد. **لَهَا:** برای آن. **أُمَّة:** امت، ملت، گروه، دین، آیین. **كَسَبَتْ:** کسب کرد. **كَسَبْتُمْ:** کسب کردید. **لَا تُسْأَلُونَ:** بازخواست نمی شوید، مورد سؤال واقع نمی شوید. **كَانُوا يَعْمَلُونَ:** عمل می کردند

لغات تکراری

۱۹ من ۲ ابْنَتِ ۱۹ إِسْمَاعِيلُ ۱۹ إِنَّكَ ۶ أَنْتَ ۶ الْعَلِيمُ ۵ لَكَ ۶ عَلَيْنَا ۱۱ التَّوَابُ ۶ الرَّحِيمُ ۱ رَسُولًا ۱۳ مِنْهُمْ ۱۱ عَلَيْهِمُ ۱ الْكِتَابُ ۲ الْحَكِيمُ ۶ عَنْ ۷ إِلَّا ۳ مَن ۳ لَقَدْ ۱۰ فِي ۳ الدُّنْيَا ۱۳ إِنَّهُ ۶ الْآخِرَةُ ۱۵ قَالَ ۶ لَهُ ۱۶ رَبُّهُ ۶ الْعَالَمِينَ ۱ بِهَا ۱۵ يَا ۶ إِنَّ ۳ لَكُمْ ۴ الدِّينَ ۱ أَنْتُمْ ۴ أَمْ ۳ كُنْتُمْ ۴ الْمَوْتُ ۴ مَا ۲ قَالُوا ۳ نَعْبُدُ ۱ وَاحِدًا ۹ نَحْنُ ۳ تِلْكَ ۱۷ قَدْ ۹ عَمَّا ۱۱

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۰﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهِكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۴﴾

بازسازی کعبه:

(خانه کعبه اولین خانه‌ای است که خداوند در زمین قرار داده است و حتی قبل از حضرت آدم علیه السلام وجود داشت ولی به سبب طوفان نوح فرو ریخت که بعداً به دستور خداوند، حضرت ابراهیم علیه السلام با کمک فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام آن را بازسازی کردند از این رو می‌فرماید: یاد کنید) هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا بردند (و کعبه را بازسازی نمودند).

(حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام بعد از بازسازی کعبه از خدا تقاضا نمودند: پروردگارا این (عمل) را از ما قبول بفرما، همانا تو (دعاها را) شنوا و (به نیتها و باطن اعمال) دانایی.

(۱۲۷)

دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام برای خود و خاندانش بعد از ساختن کعبه:

پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار بده (و به ما روحیه تسلیم محض بودن در برابر دستورات خودت را عنایت بفرما) و از فرزندان ما نیز امتی (مسلمان و) تسلیم (فرمان) خودت (پدید آور تا به نحو احسن دستورات و احکام اسلامی را اجرا کنند) خدایا! تو خودت چگونگی اجرای اعمال حج را به ما نشان بده (و به ما یاد بده که چگونه توبه کنیم و از تو می‌خواهیم که) توبه ما را بپذیری که البته تو بسیار مهربان و توبه‌پذیر هستی.

(۱۲۸)

خدایا! از میان فرزندانم، پیامبری، (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) را انتخاب کن که آیات (و احکام و نشانه‌های توحید و خداپرستی) را بر مردم بخواند (و یاد بدهد) و آنها را با کتاب قرآن و احکام و معارف اسلامی آشنا سازد (و از مفاسد اخلاقی و انحرافات فکری و عملی) پاکیزه نماید، براستی که تو پیروزی و قدرت هر کاری را داری و کارها را حکیمانه و به مصلحت بندگان تصمیم می‌گیری.

(۱۲۹)

چه کسانی از دین و آئین حضرت ابراهیم علیه السلام پیروی نمی‌کنند:

(آئین حضرت ابراهیم علیه السلام که در واقع پایه و اساس دین اسلام است، به جا بود که هر عاقل و اندیشمندی چنین آیینی را بپذیرد و به آن عمل کند اما قرآن کریم پیش‌بینی می‌کند افراد بی‌منطق و نادان، از چنین مکتبی اعراض می‌کنند و این افراد را چنین توبیخ می‌فرماید: کیست که از آئین بر حق ابراهیم رویگردان می‌شود جز افراد سفیه و نادان (که ارزش خود را درک نمی‌کنند و مصلحت خود را نمی‌توانند تشخیص دهند).

ویژگی‌های حضرت ابراهیم علیه السلام (مقام و موقعیت دنیوی و اخروی):

(خداوند درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: حقیقتاً ما او را در دنیا (به عنوان پیامبر و امام مردم) برگزیدیم و حتماً در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود.

(۱۳۰)

خداوند فرمود: (ای ابراهیم همواره) باید تسلیم پروردگار باشی (و از فرمانهای هدایتی و تربیتی او اطاعت کنی) ابراهیم پاسخ عرض کرد: من در برابر فرمانهای پروردگار عالمیان (صددرصد) تسلیم و فرمانبردارم.

(۱۳۱)

سفارشهای حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندان:

ابراهیم و یعقوب (در آخرین ایام عمر خود) به فرزندان نشان وصیت کردند که: ای پسران من، چون خداوند برای شما دین ابراهیم را (که همان تسلیم شدن در برابر خدا و اطاعت از فرمانهای اوست) برگزیده است پس (شما هم بکوشید) جز با دین اسلام از دنیا نروید و مسلمان بمیرید (و در زندگی همیشه تسلیم فرمانهای خدا و مطیع امر او باشید).

(۱۳۲)

دروغ‌پردازی و تهمت یهودیان به حضرت یعقوب علیه السلام:

(یهودیان به دروغ ادعا می‌کردند که حضرت یعقوب علیه السلام به هنگام مرگ، فرزندان را به دین یهودیت توصیه کرده است و قرآن کریم در رد این ادعای باطل می‌فرماید: آیا شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب (در پیش او) حاضر بودید؟! پس یعقوب به هنگام مرگ از فرزندان پرسید: بعد از من چه چیزی را خواهید پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که همان خدای یگانه است، می‌پرستیم و ما تسلیم فرمان او هستیم.

(۱۳۳)

نتیجه عملکرد هر ملتی برای همان ملت نوشته شده است:

(یهودیان گمان می‌کنند که چون نیاکان آنها از نسل ابراهیم علیه السلام بودند بنابراین اگر خودشان افراد آلوده و منحرف و گناهکار باشند به خاطر اعمال خوب گذشتگان خویش مورد عفو خداوند قرار می‌گیرند از این رو خداوند در این آیه شدیداً هشدار می‌دهد که: آنها گروهی بودند که درگذشتند و اعمال آنها مربوط به خودشان است (و هیچ فایده‌ای برای نجات شما ندارد) و اعمال شما مربوط به خود شماست و شما (در مقابل اعمال و افکار خودتان بازخواست خواهید شد) هرگز از آنچه آنان انجام داده‌اند سؤال نخواهید شد.

(۱۳۴)

لغات جدید: ۲۷ لغت

تَهْتَدُوا: هدایت می یابید. **حَنِيفًا:** حق گرا. **إِلَيْنَا:** به سوی ما.
الْأَسْبَاطُ: نوادگان. **أُوتِيَ:** داده شد. **النَّبِيُّونَ:** پیامبران الهی.
لَا تُفَرِّقُ: فرقی نمی گذاریم. **بِمِثْلِ:** به مانند. **آمَنْتُمْ:** ایمان
 آوردید. **اهْتَدُوا:** هدایت شدند. **تَوَلَّوْا:** پشت کردند،
 رویگردان شدند، به دوستی گرفتند. **شِقَاقُ:** دشمنی،
 جدایی، ستیز و مخالفت با حق، ایجاد شکاف و
 اختلاف و پراکندگی. **فَسَيَكْفِيكَهُمْ:** پس به زودی
 تو را کفایت می کند از آنها. **صِبْغَةً:** رنگ. **أَحْسَنُ:**
 بهتر، نیکوتر. **عَابِدُونَ:** پرستش کنندگان. **أَتَحَاجُّونَنَا:** آیا با ما
 بحث می کنید، آیا برای ما حجت و دلیل می آورید. **رُبَّنَا:**
 پروردگار ما. **أَعْمَالُنَا:** اعمال ما. **أَعْمَالُكُمْ:** اعمالتان.
مُخْلِصُونَ: خالصان، خالص کنندگان. **كَانُوا:** بودند. **ءَأَنْتُمْ:** آیا
 شما. **أَعْلَمُ:** داناتر. **كُتِمَ:** کتمان کرد، پنهان کرد.
شَهَادَةٌ: شاهد بودن، گواهی دادن، آشکار. **عِنْدَهُ:** نزد او

لغات تکراری

قَالُوا ۳ كُونُوا ۱۰ هُودًا ۱۷ أَوْ ۴ نَصَارَى ۱۰ قُلْ ۱۲
 بَلْ ۱۳ مِلَّةَ ۲۰ إِبْرَاهِيمَ ۱۹ مَا كَانَ ۱۸ مِنْ ۲
 الْمُشْرِكِينَ ۱۶ قُولُوا ۹ آمَنَّا ۳ بِاللَّهِ ۳ مَا ۲ أَنْزَلَ ۲
 إِلَى ۳ إِسْمَاعِيلَ ۱۹ إِسْحَاقَ ۲۰ يَعْقُوبَ ۲۰ مُوسَى ۸
 عِيسَى ۱۳ رَبِّهِمْ ۲ بَيْنَ ۱۰ أَحَدٍ ۱۶ مِنْهُمْ ۱۱ نَحْنُ ۳
 لَهُ ۱۶ مُسْلِمُونَ ۲۰ فَإِنْ ۴ آمَنُوا ۳ بِهِ ۴ فَقَدْ ۱۷
 إِنْ ۴ فَإِنَّمَا ۱۸ هُمْ ۲ فِي ۳ هُوَ ۵ السَّعِيعُ ۲۰ الْعَلِيمُ
 ۵ مَنْ ۳ رَبُّكُمْ ۴ لَنَا ۶ لَكُمْ ۴ أَمْ ۳ تَقُولُونَ ۱۲ إِنَّ
 ۳ أَظْلَمُ ۱۸ مِمَّنْ ۱۸ بِغَافِلٍ ۱۱ عَمَّا ۱۱ تَعْمَلُونَ ۱۱
 تِلْكَ ۱۷ أُمَّةٌ ۲۰ قَدْ ۹ خَلَّتْ ۲۰ لَهَا ۲۰ كَسَبَتْ ۲۰
 كَسَبْتُمْ ۲۰ لَا تَسْأَلُونَ ۲۰ كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۰

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ
 مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
 ﴿١٣٥﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ
 إِلَيْنَا مِنْ رَبِّهِمْ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ
 وَ الْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ
 النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
 وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا
 ءَأَمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي
 شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ
 مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾
 قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ وَ
 لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ
 مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾ أَمْ نَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ
 وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ
 كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنْ
 اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾ تِلْكَ
 أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
 وَ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

تلاش مسیحیان و یهودیان برای گرایش دادن مسلمانان به دین خودشان:

(علمای یهود و نصاری سعی می کردند مسلمانان را به سوی آیین تحریف شده خود، گرایش دهند و از این رو یهودیان به مسلمانان) گفتند: اگر دین یهود را بپذیرید (به سوی حق و راه مستقیم) هدایت می شوید، (و همینطور مسیحیان نیز) گفتند: اگر دین مسیحیت را بپذیرید هدایت می شوید (خداوند در جواب دعوت های باطل آنها می فرماید: ای محمد ﷺ) بگو: (دین های تحریف شده و شرک آلود شما هرگز هدایت بخش نیست و مسلمانان از دین شما تبعیت نخواهند کرد) بلکه از آیین حق گرا و مکتب توحیدی ابراهیم (پیروی می کنند که دین حق و اساس دین اسلام است) و او هرگز به شرک آلوده نگشت.

﴿۱۳۵﴾

همه پیامبران قابل احترام هستند زیرا محور مأموریتها و رسالتهای پیامبران الهی تفاوتی با یکدیگر ندارد:

(ای مسلمانان، به یهودیان و مسیحیان) بگویید: ما به خداوند و قرآن و کتابهای آسمانی پیامبران الهی «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبرانی از فرزندان یعقوب» و همچنین به کتابهای آسمانی موسی و عیسی (یعنی تورات و انجیل تحریف نشده) که از جانب خداوند نازل شده است، ایمان داریم.

و به سایر پیامبران الهی که خداوند به آنها کتابی داده، ایمان داریم و هیچ فرقی میان آنها قائل نیستیم و ما تسلیم فرمان او هستیم (زیرا همه آنها از جانب خداوند فرستاده شده اند و مأموریت همه آنها هدایت بشر و دعوت مردم به دین خداست بنابراین با هم هیچ تفاوتی ندارند اما یهود و نصاری به بعضی از پیامبران الهی مانند سلیمان عليه السلام و محمد ﷺ ایمان ندارند و کفر می ورزند. به هر حال فرمان خداوند این است که نسبت به همه آنها احترام قائل بشویم).

﴿۱۳۶﴾

تنها راه هدایت و نجات:

(تنها راه نجات و هدایت، پذیرش قرآن است) و اگر یهودیان و مسیحیان به قرآن ایمان آورند مسلماً هدایت می یابند ولی اگر روی برگردانند جز این نیست که سر ستیز و ناسازگاری دارند (ولی آنها از ایمان آوردن به قرآن رویگردان شدند و با احکام و آیات قرآن مخالفت کردند و نهایتاً از قرآن و اسلام جدا شدند) بزودی خداوند شر توطئه های آنها را از شما دفع خواهد کرد (زیرا خداوند از مؤمنان دفاع می کند) و او شنوا و داناست.

﴿۱۳۷﴾

رنگ خدایی:

(در رنگ پذیری، بهتر این است که دل های انسان با پرشدن از ایمان به خدا و معارف الهی)، رنگ خدایی (و دین خدا را بپذیرد) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟ (رنگ الهی یعنی ایمان و توحید خالص و تبعیت صد درصد از دین خدا و پرستش خدا) و ما نیز خالصانه خدا را می پرستیم.

﴿۱۳۸﴾

گفتگوی ناروای بنی اسرائیل با مسلمانان درباره اختیارات خداوند:

(ای محمد ﷺ، در پاسخ به گفته های بنی اساس و نادرست یهود) بگو: (بحث و گفتگوهای بی جا و نادرست شما درباره اختیارات خدا و این که چرا خداوند دین اسلام را بعنوان آخرین دین و پیامبری را غیر از نژاد یهود بعنوان پیامبر اسلام قرار داده، کاملاً گفتار و افکار غلطی است) آیا شما درباره خداوندی با ما بحث می کنید که او هم خدای ما و هم خدای شماست و اعمال ما به نفع ما (تمام می شود) و اعمال (و افکار شرک آلود و نادرست) شما نیز به ضرر خودتان است و ما از روی خلوص خداوند را می پرستیم (و به خاطر همین اخلاص، خداوند نیز آخرین پیامبر و دینش را از ما انتخاب کرده که برای همه انسان ها و مذاهب و ادیان مختلف اطاعتش واجب است).

﴿۱۳۹﴾

آیا می گوید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او همه یهودی یا مسیحی بودند (درحالی که آن پیامبران در زمانهای قبل از عصر یهود و مسیح می زیستند) آیا علم شما به حقانیت این مسئله بیشتر است یا علم خدا؟ (و شما می دانید که خداوند شاهد این واقعیت تاریخی است اما شما این حقیقت تاریخی را که خودتان نیز شاهد آن هستید انکار و کتمان می کنید) و کیست ستمکارتر و ظالم تر از آنکه شهادت (و تأیید) خداوند را درباره این پیامبران (که در زمانهای قبل از یهودیت بوده اند از روی لجابت و عناد) پنهان بدارد و بداند خداوند هرگز از آنچه انجام می دهید غافل نیست.

﴿۱۴۰﴾

هرکس در گرو اعمال خود است:

(گفتگو درباره پیامبران الهی که از چه نژادی بودند هیچ فایده ای ندارد و) آنها مردمی هستند که در گذشته اند و هرچه کردند برای خود کردند و شما نیز هرچه کنید برای خودتان است و شما (مسئول اعمال خویش هستید و از نتیجه اعمال آنها بهره ای نمی برید و) هیچ گونه مسؤولیتی در برابر اعمال آنها ندارید.

﴿۱۴۱﴾